

# Iconography of Goodarz I Coins Based on the Coins Documentary of the Parthian Dark Era

Khadijeh Baseri<sup>1</sup>, Mojtaba Monshizadeh<sup>2</sup>, Ameneh Zaheri<sup>3</sup>

<sup>1</sup> Ph.D Student, Departments of Persian & Arab Languages Ancient, Faculty of Literature, Humanities and Social Sciences, IAU, Tehran, Iran

<sup>2</sup> Assistant Professor, Departments of Linguistics, Faculty of Persian literature and foreign languages, Allameh Tabatabai University, (Corresponding Author), Tehran, Iran

<sup>3</sup> Assistant Professor, Departments of Persian & Arab Languages Ancient, Faculty of Literature, Humanities and Social Sciences, IAU, Tehran, Iran

(Received: 28.02.2021, Revised: 01.05.2021, Accepted: 17.05.2021)

(Doi: 10.22075/AAJ.2021.22435.1100)

## Abstract:

The Dark Age (which lasted from Goodarz I to Farhad III) According to sources, the Parthians are ethnically related to the Dāhe tribe, a nomadic tribe in the Transoxiana region and the southern plains of Sabiri. The effect of the yellow tribes' pressure on the other tribes of the region caused the tribes of the region to turn to the west. Among these tribes are the Dāhe tribe, the Dāhe tribe mixed with the Yellow tribes in the area due to migration. This tribe is one of the white Sakāi tribes who came into contact with the yellow tribes. Immigrant skin of the region was influenced by their customs and beliefs. Numismatics and symbolism of this study indicate the conscious use of Greek symbols by the Parthians, changing these symbols in order to establish indigenous traditions and use these symbols in the legitimacy of the Parthian government. We do not have general and original information and due to being vague and with the disappearance of a lot of available evidence We will examine the role of icons on and on the back of coins and their classification and typology. The purpose is to compare coins with each other, which has helped the historical and numismatics section of this period. It is a tool to classify and compare coins with each other. The research method is classification and typology. Recognition of images of coins has been done through the approach of calligraphy and iconography.

**Keywords:** Parthian coins, Typology, Semiotics, Goodarz I, Farhad III.

---

<sup>1</sup> Email: Banoo.soheil@gmail.com

<sup>2</sup> Email: Dr.vahid.mohammadi705@gmail.com

<sup>3</sup> Email: mtypedesign@gmail.com

# هنر تصویر نگاری سکه‌های گودرز اول بر اساس مستندنگاری سکه‌های دوران عصر تاریکی اشکانیان خدیجه باصری<sup>۱</sup>، مجتبی منشی‌زاده<sup>۲</sup>، آمنه ظاهری<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری، گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی، عربی و باستان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران

<sup>۲</sup> استادیار، گروه زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده مسئول)

<sup>۳</sup> استادیار، گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی، عربی و باستان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۲/۱۰، تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۲/۱۱، تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۲/۲۷)

(Doi: 10.22075/AJ.2021.22435.1100)

## چکیده

دوران عصر تاریکی (Dark Age) از زمان گودرز اول تا فرهاد سوم بوده است. با توجه به منابع به‌دست‌آمده، اشکانیان از لحاظ نژادی به قبیله داهه (Dāhe) یکی از اقوام کوچ‌روی منطقه ماوراءالنهر و دشت‌های جنوب سبیری بازمی‌گردند. بر اثر فشار اقوام زردپوست به سایر اقوام منطقه، این اقوام به‌طرف غرب روی آوردند. اقوام یونوچی (Yūūçī) به‌دلیل فشار هون‌ها (Hōnha) به سایر اقوام منطقه فشار وارد کردند و این اقوام را به‌سوی جنوب و جنوب غربی، یعنی ایران و هند کوچ دادند. از جمله این اقوام، قوم داهه است. داهه در اثر کوچ، با قبایل زردپوست منطقه اختلاط پیدا کرد. این قوم، یکی از اقوام سفیدپوست سکایی (Sakāi) بوده که در اثر برخورد با قبایل زردپوست مهاجر منطقه، تحت تأثیر آداب و رسوم و اعتقادات آن‌ها قرار گرفت. سکه‌شناسی و نمادشناسی حاصل از این پژوهش، حاکی از استفاده آگاهانه اشکانیان از نمادهای یونانی، تغییر دادن این نمادها در جهت تثبیت سنن بومی و استفاده از این نمادها در مشروعیت حکومت اشکانیان است. اطلاعات کلی و اصلی در اختیار ما نیست و به‌علت گنگ بودن یا از بین رفتن بسیاری از شواهد موجود می‌خواهیم به بررسی نقش شمایل‌ها بر رو و پشت سکه‌ها و طبقه‌بندی و تیپ‌شناسی آن‌ها بپردازیم. هدف، مقایسه سکه‌ها با یکدیگر بوده که به بخش تاریخی و سکه‌شناسی این دوره کمک شده است. روش کار به شکل میدانی و کتابخانه‌ای است. ابزار کار، طبقه‌بندی و مقایسه سکه‌ها با یکدیگر است. روش تحقیق به‌صورت طبقه‌بندی و تیپولوژی است. شناخت تصاویر سکه‌ها از طریق رویکرد خط‌شناسی و آیکونوگرافی انجام گرفته است.

واژه‌های کلیدی: سکه‌های اشکانی، تیپ‌شناسی، نشانه‌شناسی، گودرز اول، فرهاد سوم.

<sup>1</sup> Email: zohreh.baseri@gmail.com

<sup>2</sup> Email: monshizadeh30@yahoo.com

<sup>3</sup> Email: zaheriamenh723@gmail.com

سکه‌شناسی، بخش مهمی از علم باستان‌شناسی است که اهمیت فراوانی دارد. با مطالعه و تحقیق بر روی سکه‌ها وقایع تاریک و مبهم گذشته آشکار می‌شود. سکه تنها سند تاریخی است که از زمان ایجاد آن، دخل و تصرفی در آن به وجود نمی‌آید. سکه‌شناسی، در شناخت ادیان و مذاهب و اساطیر باستانی نقش بسزایی دارد و تاریخ بسیاری از وقایع مذهبی را روشن می‌کند. با مطالعه شهرهایی که سکه در آن‌ها ضرب شده، می‌توان جغرافیای تاریخی آن مناطق را با دقت بیشتر تدوین و ترسیم کرد. سکه، معیاری سودمند برای شناخت مقیاس‌ها و اوزان در ادوار گذشته به شمار می‌رود. همچنین تاریخ مصور آداب و رسوم، البسه، تزینات، جنگ‌افزارها و گاه معماری ملت‌هاست. با مطالعه بر روی سکه‌هایی که دارای نوشته هستند، می‌توان تا حدودی سیر و تحول خطوط آن دوران را بازشناخت و موضوعات زبان‌شناسی آن زمان را تحلیل کرد. یکی از امتیازات مهم سکه در مقایسه با سایر اشیاء یافته‌های باستانی، صحیح و سالم ماندن آن‌هاست.

داریوش اول هخامنشی، نخستین کسی بود که در ایران به ضرب سکه اقدام کرد. پس از هخامنشیان، اشکانیان نیز به ضرب سکه پرداختند. سکه‌های این دوران، از اسناد و مدارک گران‌بهای تاریخ فرهنگ و هنر ایران به شمار می‌آید. سکه‌های اشکانی که ضربشان از نیمه دوم سده سوم پیش از میلاد آغاز شد، نقوش بسیار متنوعی دارند و هر پادشاه با چهره خاص خود و با تمام جزئیاتی که برای چهره در نظر گرفته شده، به‌راحتی از دیگری متمایز شده، حتی نمایانگر تغییرات چهره پادشاهان در سالیان متمادی سلطنتشان از جوانی تا میان‌سالی و پیری نیز هست.

بر پشت برخی از سکه‌های این دوران، مظاهر و نشانه‌های مذهبی ایران و یونان به چشم می‌خورد که به‌دلیل آزاداندیشی پارتیان، آثاری از عقاید و باورهای مذهبی رایج در حکومت اشکانیان بر آن‌ها انعکاس یافته است. ساسانیان هم از آغاز فرمانروایی، ماهیتی مذهبی برای حکومت خود قایل شدند؛ بنابراین با تکوین حکومت مرکزی و آیین رسمی، تغییرات بزرگی در اوضاع اجتماعی، فرهنگی و هنری این دوره ایجاد کردند، به‌طوری که در تمامی مضامین هنری این دوره، به‌ویژه سکه‌ها احترام و تعلق ساسانیان به آیین مزدیسنا و زرتشت کاملاً مشهود است. سکه‌های این دوره نیز از لحاظ نقوش، بسیار متنوع هستند و با مطالعه دقیق آن‌ها می‌توان اطلاعات مفیدی به‌ویژه در زمینه خط و اوضاع فرهنگی این دوره کسب کرد.

این سکه‌ها امروزه زینت‌بخش بسیاری از موزه‌های داخل و خارج از کشور هستند. در موزه‌های دنیا سکه‌های اشکانی موجود است که برخی از آن‌ها در مخازن نگهداری می‌شود و برخی دیگر در درون ویترین‌ها به نمایش گذاشته شده است. مطالعه و تحلیل نقوش این سکه‌ها می‌تواند برخی از ابهامات آن دوران را برطرف کند و از این طریق، دریچه‌ای هرچند کوچک به این دنیای باستان گشوده شود.

### اهداف پژوهش

سکه‌های دوران عصر تاریکی تاکنون از دسته‌بندی و طبقه‌بندی مناسبی برخوردار نبوده‌اند؛ از این رو نیازمند مطالعه و بررسی دقیق هستند تا پژوهشگران با نظم و توالی بهتری، این آثار با ارزش فرهنگی را مطالعه کنند.

در این مقاله، مسائل زیر مورد توجه بوده است:

۱. مطالعه و بررسی سکه‌های اشکانی دوران عصر تاریکی؛

۲. پادشاهان دوران عصر تاریکی دارای چه نوع سکه‌هایی اشکانی هستند؛

۳. نقوش و کتیبه‌های سکه‌های اشکانی دوران عصر تاریکی؛

۴. بررسی نقوش و نوشته‌ها و طبقه‌بندی و

تیپ‌شناسی سکه‌های اشکانی دوران عصر تاریکی.

مطالعه، شناسایی و بررسی نقوش سکه‌های اشکانی، از اهداف اولیه این تحقیق به شمار می‌آید. معرفی مجموعه‌های جدید از سکه‌های این دوران می‌تواند کمکی در راستای تکمیل داده‌های سکه‌شناسی این دوران به شمار آید و انتظار می‌رود با دسته‌بندی مناسب این سکه‌ها و تطبیق آن‌ها با سایر منابع سکه‌شناسی بتوان اطلاعاتی مفید در زمینه تحولات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و مذهبی اشکانیان ارائه داد و نیز سایر علاقه‌مندان به مبحث سکه‌شناسی بتوانند از این پژوهش بهره‌مند شوند. هدف دیگر، تأکید بر اهمیت و نقش مطالعات آثار موزه‌ها به‌ویژه سکه‌هاست. از این رو این پژوهش درصدد است تا به دسته‌بندی مجدد و تاریخ‌گذاری صحیح سکه‌های اشکانی موزه‌ها که دارای طبقه‌بندی مناسبی برای استفاده‌ی بازدیدکنندگان، دانشجویان و محققان نیست، کمک کند. در این خصوص، به بررسی نقوش، علائم و نوشته‌های این سکه‌ها پرداخته می‌شود.

### طرح موضوع پژوهش

ویژگی‌هایی سکه‌های اشکانی دوران عصر تاریکی طبقه‌بندی می‌شود.

۱. سکه‌های اشکانی دوران عصر تاریکی مربوط به کدام پادشاهان این سلسله هستند.

۲. اطلاعاتی درباره نقوش و کتیبه‌های سکه‌های اشکانی موزه‌ها به دست می‌آید.

۳. اطلاعاتی درباره اوضاع مذهبی و فرهنگی و بررسی سکه‌های اشکانی به ما می‌دهد.

### فرضیه‌های پژوهش

۱. سکه‌های اشکانی دارای ویژگی‌های متعددی از قبیل تصویر پادشاهان، علائم و نوشته مربوط به اسامی پادشاهان، ضراب‌خانه‌ها و همچنین نمادهای اساطیری هستند.

۲. چهره پادشاهان اشکانی و مونوگرام محل ضرب، مهم‌ترین نقوش این سکه‌ها هستند. القاب این پادشاهان به خط و زبان یونانی و پهلوی اشکانی، پشت سکه‌ها نوشته شده است.

۳. با بررسی نقوش سکه‌های اشکانی می‌توانیم وقایع دینی دوره اشکانی و جایگاه آن را درک کنیم.

### روش پژوهش

با توجه به کمبود اطلاعات باستان‌شناختی و زبان‌شناختی ما از وضعیت فرهنگی دوره اشکانی و نیز برای سامان بخشیدن به اطلاعات فرهنگی، این پژوهش با به‌کارگیری یکی از فرهنگ‌ترین و ارزشمندترین داده‌های باستان‌شناختی این دوران، در پی افزایش و تکمیل دانسته‌های مربوط به عصر یادشده است. برگزیدن این پژوهش و انتخاب سکه‌های اشکانی، در حالی که تاکنون به آن توجه شایان نشده است، پاسخگوی سؤالات متعدد برای روشن شدن پیام‌های فراوان سکه‌های عصر اشکانی با محوریت سکه‌های دوران عصر تاریکی موردنظر است که از لحاظ اهمیت تاریخی، اسطوره‌شناسی و زبان‌شناسی،

قابلیت به نمایش درآمدن در این موزه‌ها را دارد. کوشش شده است تا آنجا که وضوح خطوط و نقوش سگه‌ها اجازه می‌دهد، موارد مبهم دربارهٔ هریک از سگه‌ها روشن شده، اطلاعات موردنیاز، با مطالعه روی مسکوکات فراهم گردد.

ابتدا، اطلاعات مربوط به شناخت جنس و وزن و واحد هریک از سگه‌های موزه‌ها گردآوری شد. سپس مطالعهٔ نقوش و تشخیص چهرهٔ پادشاهان (با در نظر داشتن فرم کلاه، سربند یا تاج مخصوص هر پادشاه) صورت گرفت. گام بعدی، شناخت ضرب‌خانه‌های اشکانی براساس علائم، حرف یا حروف اول اختصاری ضرب‌خانه‌ها و تشخیص نام و عناوین پادشاهان این دوران برپایهٔ مطالعه و بازخوانی نقوش و نوشتهٔ سگه‌ها بود.

این پژوهش به مطالعه و بررسی نقوش سگه‌های اشکانی می‌پردازد، با این تفاوت که مطالعات اصلی ما بر روی سگه‌های اشکانی دوران عصر تاریکی موزه‌ها متمرکز است. در این مطالعه، با تکیه بر تحقیقات کتابخانه‌ای، اینترنتی و استفاده از کتاب‌ها و مقالات معتبر در زمینهٔ تاریخ و سگه‌شناسی اشکانی، ابتدا کلیات کار را فراهم کرده، سپس با استفاده از تعدادی سگهٔ شناسایی شده در موزه‌ها و کلکسیون‌ها و مقایسهٔ آن‌ها با نمونه سگه‌های موزه‌ها، به معرفی این سگه‌ها پرداخته شد.

بدین ترتیب، بازدید از موزه‌ها و مسکوکات باستانی ایران در دوران اشکانیان، مطالعهٔ سگه‌ها، نوشته و نقوش متنوع آن‌ها و نیز مقایسهٔ تطبیقی با نمونه‌های مشابه در سایر موزه‌ها، در این پژوهش، مبنای کار بوده است.

ابتدا سگه‌ها به روش مطالعات سگه‌شناختی انتخاب و سپس با تکیه بر مطالعات اسطوره‌شناختی و

نشانه‌شناختی تحلیل می‌شوند. نشانهٔ شمایی، براساس تصویر حکمرانان اشکانی بر روی سگه شناخته می‌شود؛ مانند: ۱. تصویر اومفالوس Amphalus یا صندلی اورنگ یا تخت شاهی است. King's Throne بر سگه‌های اشکانی، نخستین تصویر نقش‌بسته بر پشت سگه‌های اشکانی، تصویر اشک اول با کمانی در دست و نشسته بر اورنگ است. تصویر اشک با لباس خاص اشکانیان، به‌ویژه کلاه آنان، باشلق که تا پایان دورهٔ اشکانی بر پشت بیشتر سگه‌ها به چشم می‌خورد، تأکید اشکانیان را بر پیشینهٔ قومی و پایبندی بر سنن بومی نشان می‌دهد. همراهی واژهٔ خودمختار یا مستقل در نخستین سگه‌های اشکانی با این تصویر، مبتنی پیام اعلام استقلال و خودمختاری اشکانیان و تقابل با سلوکیان است. کمانی که در دست اشک اول قرار دارد و نقش فرماندار، از قدرت نظامی و خاستگاه آن‌ها حکایت می‌کند. کمان و نیروی فرمانداران، قدرتی بود که اشکانیان همواره به آن مشهور بودند و موجب شکست و هراس نیروهای سلوکی و رومی می‌شد (برومند، ۱۳۹۳: ۳). ۲. کلاه‌های دورهٔ اشکانی که بر دو نوع است: تیارا یا دیهیم. نخستین پادشاهی ایرانی که در میان آن‌ها نوارهای سلطنتی به چشم می‌خورد، مادها هستند. مسلماً بزرگان و پادشاهان مادی نیز مانند هخامنشیان، از انواع تاج و دیهیم استفاده می‌کردند. می‌توان در نقوش تخت جمشید، انواع کلاه را بر سر آن‌ها مشاهده کرد. کلاه نزد مادها علاوه بر پوشش، جنبهٔ آرایشی و نمایشی نیز داشته است. آن‌ها برای نمایش خصوصیات مذهبی، صنفی یا قومی و نژادی خود، از کلاه پارس‌ها به تقلید از مادها، تیارا استفاده می‌کردند. مهم‌ترین آن‌ها تیار یا میتر و باشلق بود. کلاه نمادی نرمی بر سر و ردایی آراسته با روکش شلوار داشت (Chrissanthos, 2008: 22). تیار یا

تیارا کلاهی نمدی است که به شکل تاج مخروطی بلند و در جلو برآمده است که دنباله آن به صورت نواری در پشت گردن آویزان است. نگهبانان و خدمتگزاران و نیز رئیس نمایندگان خراج‌گزار چنین کلاهی بر سر دارند (غیبی، ۱۳۸۵: ۸۸). نوع دوم کلاه، باشلق مادی است که انواع مختلف آن در بین مادها، ارامنه، پارت‌ها و مردم قفقاز رایج بود و هنوز هم نوع پوستی آن در سرمای سخت زمستان مورد استفاده تاتارها، ترکمن‌ها و قزاق‌ها قرار می‌گیرد. باشلق از نم‌ یا کتان بود و قسمت بالایی آن معمولاً نوک تیز، بلند و به شکل کیسه مخروطی به عقب یا جلو برگشته بود و در قسمت پشت، دنباله کوتاهی داشت و در دو طرف نیز دو تگه اضافی، گوش‌ها را می‌پوشاند که در زمان گفت‌وگو با شاه برای جلوگیری از دمیده شدن نفس به صورت شاه به کار برده می‌شد و بعدها به تقلید از مادها در میان پارس‌ها و پارت‌ها نیز رواج یافت (همان: ۸۹-۹۲). سرفرازو فیروزمندی نیز کلاه‌های مادی نقوش تخت جمشید را به پنج دسته تقسیم می‌کنند که چهار دسته از آن‌ها دنباله‌ای نوارمانند دارند. آنان همگی را متعلق به دربار مادی یا ایل و تبار مادیان درباری می‌دانند (سرفراز و فیروزمندی، ۱۳۸۱: ۸۶). با توجه به اینکه تمام کلاه‌های نواردار مادها خاص درباریان است و در بیشتر موارد این نوارها جزئی نمادین از کلاه محسوب می‌شوند، می‌توان این نوارها را به‌عنوان نمادی برای دربار در نظر گرفت. در دانشنامه ایرانیکا نیز به تاج، کرون، دیهیم یا دیادم اشاره شده است. رشته‌ای بود که اطراف سر پیچیده می‌شد و می‌توانست با تاج کنگره‌دار یا دیهیم تیار پوشیده شود. پادشاهان آشورنو قرون ۷-۹ ق.م دیهیم را در ترکیب با یک کلاه بلند، مثل کلاه فس کلاه قرمز منگوله‌دار می‌پوشیدند، در حالی که شاهزادگان دیهیم را

به‌تنهایی به کار می‌بردند (Calmeyer, 2011: 45-95).


فرهنگ اشکانیان، تلفیقی از فرهنگ شرق و غرب بود، چنان‌که در آغاز برای تسلط یافتن بر یونانیان، آداب و سنن یونانی را رعایت کردند و این در سکه‌هایشان نیز کاملاً مشهود است، ولی در پوشش تن و سر هرگز از آن‌ها تقلید نکردند (غیبی، ۱۳۸۵: ۷۲). بیشتر شاهان اشکانی دارای نوار سرهایی بودند که بر روی پیشانی بسته می‌شد و دنباله آن در پشت سر رها بود. این نوارها که اغلب نوارهای باریکی است، بر مچ پای آن‌ها نیز به چشم می‌خورد که نمونه‌هایی از آن را در مجسمه‌های کشف‌شده در شهر هترا واقع در عراق امروزی می‌توان دید (سفر و مصطفی، ۱۳۷۶: ۱۰۳). در آغاز، شاهان اشکانی دارای کلاه ساده‌ای بودند که به کلاه باشلقی معروف است. شبیه این کلاه را قبلاً بزرگان ماد و ساتراپ‌های هخامنشی بر سر می‌گذاشتند. این کلاه از پارچه ضخیم یا نم‌ ساخته می‌شد و دارای زبانه‌هایی بود که روی گوش و پشت سر را می‌پوشاند و نواری که زینت‌بخش کلاه بود، در پشت سر گره می‌خورد و دو سر آن آزاد و آویزان بود و اغلب حاشیه کلاه، مخصوصاً در جلو با دانه‌های درشت مروارید تزیین می‌شد. اشکال مختلف این کلاه بر سکه‌های اشک اول، تیرداد اول و فرهاد اول دیده می‌شود. از زمان مهرداد اول، شکل شاه بدون کلاه بر سکه‌ها نقش گردیده و تاج فقط به‌صورت نواری به چشم می‌خورد که در پشت سر گره خورده است. این نوار یا سرپند را می‌توان نیم‌تاج نامید که احتمالاً زرین نیز بوده است. نیم‌تاج به‌صورت یک یا چند خط بر روی سکه‌ها دیده می‌شود و از بالا نیز به‌صورت حلقه‌ای به نظر می‌رسد. این حلقه بدون شک همان نشان شهریاری است (سرفراز و آورزمانی، ۱۳۷۳: ۳۲-

کمان؛ براساس تصویر، اشک اول با کمانی در دست برتخت نشسته است. تصویر اشک با لباس خاص اشکانیان، به‌ویژه کلاه مخصوص که تا پایان دوره اشکانی بر پشت بیشتر سکه‌ها به چشم می‌خورد، تأکید اشکانیان بر پیشینه قومی و پابندی بر سنن بومی را نشان می‌دهد. همراهی واژه خودمختار یا مستقل در نخستین سکه‌های اشکانی با این تصویر نیز مبتنی پیام اعلام استقلال و خودمختاری اشکانیان و تقابل با سلوکیان است. کمانی که در دست اشک اول قرار دارد و نقش کماندار، از قدرت نظامی و خاستگاه آن‌ها حکایت می‌کند. کمان و نیروی کمانداران قدرتی بود که اشکانیان همواره به آن مشهور بودند و موجب شکست و هراس نیروهای سلوکی بود. نقش کماندار بر پشت درهم‌های دوره اشکانی به‌جز دوران ونن اول (۱۲-۸ م) به‌سمت راست است. نمای کلی این طرح به سکه تارکامووا شهرت ساتراپ هخامنشیان در تارسوس و کاپادوکیه شباهت دارد که در قرن چهارم ق.م ضرب شده است. طرح کلاه، شال روی شانه و طرح اورنگ و کمان کاملاً یکسان است. بنابراین برخی محققان، این شباهت را تصادفی نمی‌دانند و معتقدند طرح سکه‌های ارشک احتمالاً اقتباسی از سکه‌های تارکامووا است (برومند، ۱۳۹۳: ۳-۴) تارکامووا آخرین ساتراپ هخامنشی در کلیکیه بوده است. تصاویر A-C منبع عکس A (Jaroslaw Bodzek, 2011,12) و منبع عکس B (Hopkins, www.parthia.com).

۳۴). در نقش برجسته‌ای واقع در تنگ سروک، شاه میایی که تابع پارت است، حلقه فرمانروایی را به دو تن از حکام خود می‌دهد. با استفاده از این نقش می‌توان چنین نتیجه گرفت که نه‌تنها تفویض قدرت به ساتراپ‌ها از طرف شهریاران پارت معمول بوده، بلکه پادشاهان تابع نیز به حکام تحت نفوذ خود اختیارات کافی می‌دادند (بیانی، ۱۳۷۰: ۱۸؛ ملک‌زاده بیانی، ۱۳۸۱: ۱۸). جالب توجه است که بر روی بسیاری از سکه‌های اشکانی مراسم دیهیم‌ستانی به چشم می‌خورد. در این سکه‌ها، خدایان یونانی با هیبتی یونانی در حال تقدیم تاج گل، تاج شهریاری یا نماد شاهی به شاه اشکانی در هیئت پادشاهان هخامنشی هستند. در بیشتر این مراسم، نیکه ایزد بخت و اقبال یونانی، تاج پیروزی را که نزد ایرانیان، نماد فره شاهی است، تقدیم می‌کند. معنای نمادین این صحنه، همیشه به قدرت رسیدن شاه است که از مضامین بسیار رایج هنر ساسانی است. اصل این‌گونه مضامین هنری از یونان است که در دوره ساسانیان نیز در ایران رواج می‌یابد (هرتسفلد، ۱۳۸۱: ۳۰۱-۳۰۴). نوارهای سلطنتی در ایران، هم‌زمان با حاکمیت مادها، جزئی از باشلقی یا کلاه درباریان بود. باشلق‌های مادی به پارتیان و حاکمان پارس، الیماییان و پادشاهان خرسن رسید، ولی به‌سرعت چیزی جز نواری ساده از آن باقی نماند که به شکل سربند بر پیشانی بیشتر شاهان اشکانی قابل مشاهده است و به نام دیهیم معمول شد. ۳. تیر و

روی سکه	پشت سکه	طرح	تصویر ۱ - سکه تارکامووا (Bodzek, 2011, 12)
			
خدای بعل نشسته به‌سمت راست به خط آرامی	تارکامووا نشسته به‌سمت راست بر چهارپایه به خط آرامی	سکه تارکامووا، داتام تارسوس، (مأخذ: نگارنده) 378-372 BC وزن: 23 mm - 10.58 g	

طرح	پشت سکه	روی سکه
		
<p>سکه ارشک یکم سلوود ۲۴۷-۲۱۱ ق.م. سلود تیپ ۲ (مأخذ: نگارنده) وزن 4.18g - Photo by <a href="#">Chris Hopkins</a> - www.parthia.com - Number: PDC 23626)</p>	<p>ارشک نشسته بر چهارپایه، کمان در دست به سمت راست ΑΡΣΑΚΟΥ-ΑΥΤΟΚΡΑΤΟΡΟΣ</p>	<p>تصویر ارشک به سمت چپ بدون ریش ساعت</p>

سکه اشکانی	سکه تارکامووا	
		<p>تصویر ۳- مقایسه سکه تارکامووا و سکه ارشک اول (Bodzek, 2011, 12, www.parthia.com)</p>
<p>سکه ارشک یکم ایران ۲۴۷-۲۱۱ ق.م. سلود تیپ ۴ Aramaic legend ΑΡΣΑΚΟΥ وزن 4.04g - Photo by <a href="#">Chris Hopkins</a> - www.parthia.com - Number: PDC 42569</p>	<p>تارکوموا نشسته به سمت راست بر چهارپایه به خط آرامی (Jaroslaw Bodzek, 2011, 12)</p>	

اومفالوس در سکه‌های چند حکمران متوالی اشکانی نیز به چشم می‌خورد. از اینکه اومفالوس نقطه مشترک تشابه سکه‌های اشکانی با برخی حکام سلوکی است، نمای کلی دو تصویر نیز از عناصر مشترک برخوردار است. در واقع تصویر اشک اول به صورت کماندار و آپولو با تیر و کمانی در دست، طراحی شده است، با این تفاوت که آپولو کمابیش به کمان در دست چپ خود تکیه کرده و تیر را در دست راست گرفته است که از فراغت وی از رویارویی با پیتون اژدهای دلفی و آرامش او می‌گوید، در حالی که کماندار اشکانی اگرچه حالتی آرام دارد، کمان را به نشانه قدرت پارت‌ها در دست گرفته است. اما در چهار درهمی‌های متعلق به فرهاد دوم، تصویر آپولو نشسته بر اومفالوس، جایگزین تصویر ارشک کماندار می‌شود. گاهی این نقش به طرح

سکه تارکامووا را به داتامس منسوب می‌دانستند. در دوران حکمرانی بعضی پادشاهان نیز طرح اشک اول با کمانی در دست بر پشت سکه‌ها نقش بسته است؛ اما اینک اشک اول یا کماندار به جای تخت یا صندلی یا چهارپایه، نشسته بر اومفالوس مجسم شده که طرحی برگرفته از سکه‌های سلوکی است. طبق اساطیر یونانی، اومفالوس سنگی است که نشان‌دهنده مرکز جهان و محلی است که ایزد یونانی، آپولو، ایزد عقل، نور، حقیقت و پیشگویی، پیتون، اژدهای دلفی را از بین برد و معبد خود را بر آن بنا نهاد (برومند، ۱۳۹۳: ۴-۵). بنابراین، تصویر اشک اول یا کماندار نشسته بر اومفالوس در سکه‌های اشکانی، زمان پیشرفت‌های نظامی و سیاسی وی در رویارویی با سلوکیان مد نظر قرار می‌گیرد. تصویر اشک اول یا کماندار نشسته بر



سگه‌های سلوکی شباهت دارد. ضرب این سگه‌ها را می‌توان به دورانی نسبت داد که فرهاد دوم برای رویارویی با آنتیوخوس هفتم در صدد جلب حمایت مهاجرنشین‌های یونانی ایالت ماد بود. نکته قابل توجه این است که در سگه‌های دیگر اشکانی، تصویر اومفالوس از سگه‌ها حذف و نقش اورنگ یا تخت سلطنت، مشابه طرح سگه‌های آغازین ارشک اول، جایگزین آن می‌شود. در این سگه، شاه علاوه بر کمان، یک تیر هم در دست دارد. در واقع مهرداد دوم، تقریباً یک دهه پس از به قدرت رسیدن، موفق شد مرزهای غربی ایران را تا رود فرات گسترش دهد. حذف اومفالوس و افزودن اورنگ یا تخت شاهی در سگه‌ها را می‌توان به این دوران نسبت داد. در مرحله بعد، تغییر دیگری در طرح این سگه‌ها اعمال شده، لقب شاه شاهان بازیلیوس بازیلیون به متن نوشتاری این سگه‌ها افزوده می‌گردد که لقب پادشاهان هخامنشی را تداعی می‌کند. مهرداد دوم در الواح میخی بابلی که به سال ۱۱۱ ق.م تا حدود نیمه سال ۹۱ ق.م مربوط است نیز با معادل بابلی چنین لقبی، یعنی شر شرائی معرفی شده است (Le Rider, Georges, 1965: 389-390).

به هر حال، تصویر اشک نشسته بر اومفالوس، تداعی‌کننده مرکز جهان در دوران رویارویی با سلوکیان، از مفهوم تبلیغی خاص برخوردار بود، مبنی بر اینکه اشکانیان منطبق بر دیدگاه اساطیری سلوکیان، بر مرکز جهان تکیه زده‌اند. اما پس از شکست سلوکیان از مهرداد دوم، طرحی منطبق بر نمادهای ایرانی جایگزین می‌شود؛ طرح تخت که به تخت سلطنت حکمرانان هخامنشی و ساتراپ‌های آن‌ها شباهت دارد. تصویر حکمرانان اشکانی تا دوران اضمحلال این سلسله، همواره نشسته بر همین تخت بر سگه‌ها مجسم شده است. یکی از اهداف فرمانروایان

روم نیز دستیابی به این تخت بود. به مرور با ادامه رویارویی اشکانیان با سلوکیان، گاهی در حالت نشسته بر اومفالوس مجسم شده است. گاهی کماندار اشکانی به‌عنوان نمادی از قدرت، بر اومفالوس، یعنی مرکز جهان مسلط بود. از نظر نشانه‌شناسی، دلالت ضمنی کماندار اشکانی نشسته بر اومفالوس، مبین غلبه بر سلوکیان است. با گسترش متصرفات اشکانیان در دوره مهرداد دوم و آن هنگام که با فتح بخش قابل توجهی از بین‌النهرین و اخراج سلوکیان از منطقه، خاطره اوج قدرت هخامنشیان زنده شد، طرح کماندار نشسته بر اورنگ ایرانی بر سگه‌ها نقش بست. ترکیب این نشانه شمایی و نمادین با نشانه نوشتاری شاه شاهان، از توجه اشکانیان به سنت‌های بومی و ایرانی حکایت دارد. از این پس، تصویر اورنگ یا تختی که حکمرانان اشکانی بر آن یا نماد معروف قدرت اشکانیان، تخت زرین نشسته‌اند، یکسان باقی ماند. این تخت است که رومی‌ها در صدد تملک آن بودند. بدین ترتیب، حذف اومفالوس، استفاده از طرح در دوران مهرداد دوم، شاه شاهان، تخت و پس از آن کاربرد لقب کهن و باستانی تأکیدی بود بر سنن ایرانی تکیه بر تخت پادشاهی که بازگشت به دوران شکوه هخامنشی را تداعی می‌کرد (برومند، ۱۳۹۳: ۱-۱۴).



تصویر ۴- سنگ اومفالوس در گورستان دلفی (برومند،

۱۳۹۳: ۱-۱۴)



تصویر ۵- نمونه رومی اومفالوس در موزه دلفی (همان)

### پیشینه پژوهش

نخستین پژوهش درباره سکه‌شناسی دوران اشکانی را سکه‌شناس برجسته فرانسوی ژان فوا-وایان در سال ۱۷۲۵ میلادی انجام داد. کتاب وی با عنوان *امپراتوری اشکانی یا تاریخ شاهان پارت برای سکه‌ها* به زبان لاتین نگاشته شده است. در این کتاب که ۲۹ فصل دارد، نگارنده به شرح تاریخ سیاسی هریک از فرمانروایان اشکانی پرداخته، سپس سکه‌های آن فرمانروا را مورد مطالعه و بررسی قرار داده است. حدود یک قرن بعد، جان لیندسی (۱۸۵۲)، کتاب *تاریخ و سکه‌های پارت* را چاپ کرد. وی در کتاب خود، تصاویر طراحی‌شده سکه‌های اشکانی را به نمایش گذاشت و سپس به بررسی آن‌ها پرداخت. بعدها دو سکه‌شناس دیگر، دومارکوف فرانسوی (۱۸۷۷) و گاردنر، باستان‌شناس انگلیسی (۱۸۷۷) به‌طور هم‌زمان دو کتاب در زمینه سکه‌های اشکانی منتشر کردند. کتاب دومارکوف با عنوان *سکه‌های شاهان پارتی در پاریس و کتاب گاردنر با عنوان مسکوکات پارتی (اشکانی)* در لندن منتشر شد. در حدود ده سال بعد، فون گوتشمید (۱۸۸۸) کتابی درباره تاریخ سلوکی و اشکانی نگاشت. وی در این کتاب، به توضیح تاریخ دوره‌های اشکانی و سلوکی پرداخت. سه سال بعد، نخستین کتاب به زبان

فارسی درباره سکه‌های اشکانی در ایران منتشر شد. این کتاب در زمان قاجار با عنوان *درر التیجان فی تاریخ بنی‌اشکان* توسط اعتمادالسلطنه (۱۳۰۹-۱۳۱۱ ه. ق)، در دار الطباعة دولتی طهران به چاپ رسید. این کتاب به‌طور کامل درباره تاریخ اشکانیان است. در اوایل قرن نوزدهم میلادی، وارویک روث، کاتالوگ سکه‌های اشکانی در موزه بریتانیا را به زبان انگلیسی و پتروویچ (۱۹۰۹) کاتالوگ مجموعه شخصی خود را منتشر کردند. دمرگان، باستان‌شناس فرانسوی (۱۹۲۳) کتاب *راهنمای سکه‌های شرقی* را به چاپ رساند که بخشی از آن، به سکه‌های اشکانی و ویژگی‌های آن اختصاص داشت.

اواخر دهه هفتاد میلادی، به نوعی سال‌های درخشان در زمینه مطالعات سکه‌های اشکانی به شمار می‌رود. در سال (۱۹۷۸) خانم ملکزاده بیانی، دومین کتاب درباره سکه‌های اشکانی را با عنوان *تاریخ سکه دوره پارتی به زبان فارسی* به چاپ رساند. سپس در همان سال و کمی بعد از آن، میچینر (۱۹۷۸) کتاب *سکه‌های شرقی و ارزش‌های آن* را منتشر کرد که این کتاب درباره سکه‌های کلاسیک و باستانی است و در بخشی از آن به سکه‌های اشکانی اشاره می‌شود. سپر (۱۹۷۹) در کتاب خود با عنوان *سکه‌های یونانی و ارزش آن‌ها* به سکه‌های اشکانی پرداخت. سپس، سلوود (۱۹۸۰) کتاب *درآمدی بر سکه‌های اشکانی* را به چاپ رساند. اثر ارزشمند سلوود، همچنان مورد توجه پژوهشگران و مجموعه‌داران سراسر جهان است. شور (۱۹۹۳) کتاب *تاریخ و سکه اشکانی* را در سال ۱۹۹۳ به رشته تحریر درآورد و سلوود (۱۹۸۳)، آلام (۱۹۹۸)، سرخوش کورتیس (۲۰۰۷) و سینسی (۲۰۱۱) هرکدام فصلی از یک کتاب را به بحثی خلاصه در این موضوع آراستند که در این پژوهش،

اشکانی در قرن دون میلادی براساس آنالیز شیمیایی مسکوکات ضرب شده در ضرابخانه ماد» نوشته مهناز صالحی گروس (۱۳۹۳) در دانشگاه تربیت مدرس. اخیراً مقالات پراکنده و گوناگونی نیز درباره سکه‌شناسی اشکانی منتشر شده که هر یک به بررسی ویژگی‌های خاص سکه‌ها، بیشتر از جنبه انتساب یا تاریخ‌گذاری پرداخته‌اند.

اما از آنجا که تاکنون مطالعه جدی روی سکه‌های اشکانی صورت نگرفته است، در پژوهش حاضر تلاش شده با بهره‌گیری از مطالعات سکه‌شناختی، طبقه‌بندی و تیپ‌شناسی این سکه‌ها مورد بررسی قرار گرفته، برخی از نقوش و کتیبه‌های این دوران از طریق این سکه‌ها شناسایی شود.

### مبانی نظری

سکه‌های نخستین شاهان اشکانیان این امکان را نمی‌دهند که یکایک شاهان را در میان سکه‌ها شناسایی کرد. با این حال، ترقی قدرت اشکانیان در سجع سکه‌ها بروز می‌یابد. سجع سکه‌ها به ترتیب از ارشک (ΑΡΣΑΚΗΣ) شروع می‌شود و پس از تاج‌گذاری به شاه ارشک ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΑΡΣΑΚΟΥ تبدیل می‌شود. هر دو عنوان به نخستین شهریار اشکانی نسبت داده می‌شود. بعد، شاه بزرگ ارشک به دنبال آن می‌آید. ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ آیا ارشک اول خود را این‌گونه می‌نامیده است یا پس از پیروزی بر سلوکوس دوم و برپایی جشن پیروزی، این نام را بر خود گذاشته است؟

مهم‌ترین موضوع این است که پادشاهان اشکانی همواره می‌خواستند خود را کوچ‌رو تلقی کنند و سکه‌ها نمایانگر باشلیق، کلاه خود و قزن قفلی‌دار، پیراهن آستین‌دار و شلوار است و روی همه آن‌ها با

بخش‌هایی از این منابع مورد استفاده قرار گرفته است. اخیراً سینیسی (۲۰۱۲) در مجموعه کتاب‌هایی که درباره سکه‌های اشکانی در نه جلد چاپ خواهد شد، بیش از ۲۷۰۰ سکه به دست آمده از دوره اشکانی را مورد بررسی قرار داده است. در سال‌های اخیر، کتاب‌های متعددی در ایران درباره سکه‌شناسی اشکانی تألیف شده است.

در کتاب *سکه‌های ایران از آغاز تا زنده*، نوشته فریدون آورزمانی و علی‌اکبر سرفراز که در سال ۱۳۸۵ منتشر شد، در بخشی مجزاً به معرفی ویژگی‌های سکه‌های اشکانی پرداخته شده است. در دهه ۱۳۹۰ کتاب *سکه‌های اشکانی، بازنگری تاریخ و سکه‌شناسی اشکانیان* (غلامی، ۱۳۹۲)، *تاریخ اشکانیان به روایت سکه‌ها* (دیلماقانی، ۱۳۹۵)، *نمادشناسی سکه‌های اشکانی* (افتخاری و جمشیدی، ۱۳۹۶) و نیز آخرین کتاب در این زمینه که به بررسی گونه‌های مختلف سکه‌های اشکانی پرداخته، یعنی *گونه‌شناسی سکه‌های اشکانی* (افتخاری، ۱۳۹۶) به چاپ رسید.

درباره سکه‌شناسی اشکانی، چند پایان‌نامه و رساله دکتری وجود دارد که هر کدام از آن‌ها از منظر خاصی به این سکه‌ها پرداخته‌اند، از جمله پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «مطالعه، شناسایی و طبقه‌بندی سکه‌های اشکانی موجود در موزه آستان قدس رضوی» نوشته سید مهدی میرقاسمی (۱۳۹۲) از گروه باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی فرهنگ خادمی ندوشن، رساله دکتری با عنوان «تحلیل باستان‌شناختی تحولات تاریخی و اقتصادی پارت‌ها براساس مسکوکات در دوره زمانی ۲۴۷-۵۰ قبل از میلاد» نوشته بیتا سودایی (۱۳۸۹) به راهنمایی فرهنگ خادمی ندوشن و رساله دکتری با عنوان «تحلیل اوضاع اقتصادی و سیاسی دوره

شنل سواری نشان داده می‌شود. آن‌ها بدون ریش و سبیل بودند. از زمان مهرداد اول بنا بر تقلید از هخامنشیان، ریش پرپشت بدون سبیل مرسوم شده بود (فرانس التهایم، ۱۳۸۸: ۲۶). اشکانیان، تمام زندگی‌شان را روی اسب می‌گذراندند و سواره یا پیاده بودن، فرقی است که میان بردگان و آزادگان وجود دارد. سواری اسب، پرندگان و سگ‌ها دارای اهمیت بود و اجساد مردگان را با آن‌ها دفن می‌کردند. زندگی کردن و اندیشیدن با جانوران، اصل شاخص کوچ‌روان است. وجود سبک جانوری در دوره اشکانیان مختص آن‌ها بوده است. در شواهد به‌دست‌آمده از دورا اورپوس اشکانی، چیدمان جانوران روی برنزه‌ها و سگک‌های برنز سکه‌های ارد دیده می‌شود. اهمیت پارتیان به گوزن در آثار آن‌ها مشهود است و در کلاه‌خودهای آن‌ها در سکه‌ها دیده می‌شود. در سکه‌های اردوان اول، مهرداد دوم و فرهاد دوم، وجود شاخ گاو نر در دو طرف کلاه‌خود و پیکرک‌های گوزن و غزال بر روی سکه‌ها بسیار قابل مقایسه با هنر فلزکاری جنوب روسیه است. دیادم یا دیهیم سرمتی از نووچرکاسک روسیه، مانند آن وجود دارد. ارد اول هم نقش گوزن را در پشت سکه‌های خود ضرب می‌کرد. شکار گراز، گورخر، گوزن، بزکوهی، شیر و خرس در تنگ سروک و سولک در دیوارنگاره‌ها و دیوارنیشته‌های دورا اورپوس وجود دارد. شکارچیان همیشه بر روی اسب قرار دارند. سکه‌ها نیز الگویی از سلوکیان نقش اسب و فیل را دارند؛ اما اسب دارای بیشترین اهمیت در میان اشکانیان بود. آن‌ها تازه زین خود را یافته و همواره سوار بر اسب بودند؛ هم در رزم هم در بزم، حتی هر کار خصوصی و عمومی را سواره انجام می‌دادند. همواره در جابه‌جایی‌ها در مراسم بزم و رزم، شادمانی‌ها، دادوستدها، تجارت، در میان بردگان و آزادگان تمایزی

وجود داشت. آنان سواره و بردگان پیاده حرکت می‌کردند (فرانتس التهایم، ۱۳۸۸: ۲۵-۳۶). از مشخصات کلی نقوش و نماد سکه‌های عصر تاریخی، انواع پوشاک و پوشش سر است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: کلاه، تاج، گردن‌بند و بعضی از نشانه‌ها که در پشت یا جلوی تصویر شاه دیده می‌شود (سرفراز و آورزمانی، ۱۳۸۵: ۳۲). القاب پادشاهان، مهم‌ترین نوشته سکه‌هاست. برای مثال، نوشته‌های سکه گودرز اول به یونانی ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ ΘΕΟΠΑΤΟΡΟΣ ΝΙΚΑΤΟΡΟΣ به معنای شاه بزرگ ارشک دوستدار پدر پیروز یا فاتح است که بیشتر به تقلید از رسم آن زمانه، یونانی بود؛ اما برخی سنت‌های ایرانی نیز در آن به چشم می‌خورد. القاب شاهانه یونانی که گمان می‌رود در آغاز برای جلوگیری از تنش با دولت‌های پیشین سلوکی و جلب نظر طرفداران یونانی به کار می‌رفت و از سویی بخشی از تبلیغات سیاسی شاهان اشکانی برای استحکام جایگاه خود بود، اندکی بعد تبدیل به یک الگو شد و مفهوم نخستین خود را از دست داد (ویسهوفر، ۱۳۸۰: ۱۶۵). برخی از این القاب با اهداف تبلیغاتی نوین به کار می‌رفت؛ مثلاً لقب ΝΙΚΑΤΟΡΟ به معنی پیروز در سکه‌های گودرز اول، گوشه‌ای از تلاش تبلیغاتی بود که خود را پیروز در برابر یورش استپ‌نشینان در سال‌های ۱۱۹-۱۲۱ پیش از میلاد می‌دانست (Olbrycht, 2010b: 153-154).

هم زمان با مهرداد دوم، سکه‌هایی از گودرز اول و ارد اول و پس از او، سکه‌هایی از ارد، دو پادشاه ناشناخته، سیناتروک و داریوش را می‌بینیم. گودرز اول، نهمین پادشاه پارت بود. سلود سکه‌های بعد از مهرداد دوم را متعلق به گودرز می‌داند و عنوان فاتح، تنها در

سگه‌های گودرز اول دیده می‌شود و عنوان شاهنشاه نیز در این سگه‌ها حذف شده است

تاج شاهان اشکانی به سه نوع اصلی تقسیم می‌شود: ۱. تاج ساده شاهان اولیه پارت، نوعی کلاه باشلقی از جنس نمد، معروف به کلاه پارسی است که بزرگان و نجبای مادی، پارسی و پارتی به سر می‌گذاشتند؛ ۲. از دوران شهریار مهران اول، تاج به صورت نوار ساده و دارای خطوط زرین است که در پشت سر گره خورده، تا پشت شانه آویزان است (ملک‌زاده بیانی، ۱۳۸۲: ۲-۱۲)؛ ۳. تهیه تاج‌های مجلل و جواهرنشان که نمونه بارز هنر طلاسازی و جواهرسازی پارت‌هاست، از دوره مهران دوم مرسوم شد و در کنار نوع دوم (نوار زرین) تا انتهای دوران اشکانی ادامه پیدا کرد (دادور و مکوندی ۱۳۹۱: ۵۳). در این دوره، در زمینه بعضی از سگه‌ها نشانه‌ای از مذهب ایزدان، پرندگان یا علایم مختلف، نقر است. برای مثال در پشت تصویر فرهاد چهارم، پاکور اول، فرهاد پنجم، فرشته بال‌دار، حلقه شهریار را که دو نوار از آن آویزان است، به سوی سر او می‌برد (ملک‌زاده بیانی، ۱۳۸۱: ۴۰).

به‌طور کلی در نقوش روی سگه‌های اشکانی، چهره یا نیم‌تنه شاه آمده است. بر پشت سگه‌ها کمان‌دار، کمان در دست بر چهارپایه نشسته است که با اندک تغییری، نشان اصلی در همه درهم‌ها باقی می‌ماند (Sellwood, 1976: 3).

پشت سگه‌های برنزی که اغلب در بین طبقات مختلف مردم کاربرد داشته، نشانه‌های مذهبی ایران و یونان به چشم می‌خورد که به‌علاوه آزاداندیشی دوره اشکانیان، آثاری از عقاید و باورهای مذهبی رایج در آن زمان و سرزمین اشکانیان در آن‌ها انعکاس یافته است. همچنین القاب و عناوین شاهان به صورت عادل،

نیکوکار و دوستدار پدر و غیره دیده می‌شود که اغلب از دوره سلوکیان تقلید شده است.

نقش کمان‌دار نشسته با کمان در دست، از نخستین سگه‌های ضرب‌شده، همواره یکی از عناصر اساسی درهم‌هاست. گمان می‌رود بازنمایی ارشک اول، بنیان‌گذار سلسله است که برای بزرگداشت نام و خاطرۀ وی، تا پایان دوره باقی می‌ماند (سرفراز و آورزمانی، ۱۳۸۵: ۲۸). نقش کمان‌دار بر پشت درهم‌های دوره اشکانی به‌جز دوران ون اول (۸-۱۲ م) به سمت راست است. نمای کلی این طرح به سگه تارکامووا شهرت ساتراپ هخامنشیان در تارسوس و کاپادوکیه شباهت دارد که در قرن چهارم ق.م ضرب شده است. طرح کلاه، شال روی شانه و طرح اورنگ و کمان کاملاً یکسان است؛ بنابراین برخی محققان، این شباهت را تصادفی نمی‌دانند و معتقدند طرح سگه‌های ارشک احتمالاً اقتباسی از سگه‌های تارکامووا است (برومند، ۱۳۹۳: ۳-۴). تحقیقات پیشین، این سگه را به داتامس منسوب می‌دانست. در دوران حکمرانی بعضی پادشاهان نیز طرح اشک اول با کمانی در دست بر پشت سگه‌ها نقش بسته است؛ اما اشک اول یا کمان‌دار به‌جای تخت یا صندلی یا چهارپایه، نشسته بر اومفالوس مجسم شده که طرحی برگرفته از سگه‌های سلوکی است. طبق اساطیر یونانی، اومفالوس سنگی است که نشان‌دهنده مرکز جهان و محلی است که ایزد یونانی، آپولو، ایزد عق، نور، حقیقت و پیشگویی، پیتون، اژدهای دلفی را از بین برد و معبد خود را بر آن بنا نهاد (همان: ۴-۵).

بر روی سگه‌های هخامنشی، نقش کمان‌دار پارسی آمده است و اساساً کمان، یکی از نشانه‌های شاهی و نماد شاهنشاهی در ایران باستان به شمار می‌آمده است (ویسهوفر، ۱۳۸۸: ۱۰۳). از اشاره منابع باستانی

دربارهٔ مراسم تاج‌گذاری با دیهیم و اعطای آن به‌منزلهٔ اعطای قدرت و همچنین تصویر تیشه (ایزد یونانی) در سکه‌ها که دیهیم به شاه می‌دهد، چنین برمی‌آید که گویا دیهیم علاوه بر نشان پادشاهی، نمادی از فره بوده است (Olbrycht, 1997: 53-54).

نقش شاهین/پرنده که حلقهٔ پادشاهی را به منقار گرفته، به‌سوی شاه می‌برد یا در دست شاه است، بارها در سکه‌های فرهاد چهارم و سوم دیده می‌شود یا در برخی دیگر از تزیینات روی لباس شاه است (ملک‌زاده بیانی، ۱۳۸۱: ۹۳-۹۴). نمونهٔ آن برخی چهار درهمی‌های فرهاد سوم (۵۷-۷۰ ق.م) است که بر تخت نشسته است و در یک دست عصای قدرت و در دست دیگر شاهین، نشانهٔ پیروزی دارد (پرادا، ۱۳۸۳: ۲۷۰). پرنده، نمادی از خورنه (Xvarənah) فره است که یک تجلی‌اش مرغ وارغنه (Vāreghna) است و در اوستا نیز آمده یا نمادی از ایزد ورثرغنه (Vərəθrarna)، ایزد پیروزی است (Curtis, 2007: 423-424). این ایزد، گاهی به شکل عقاب یا شاهین و گاهی به شکل باز شکاری و سیمرغ پدیدار شده است (شهبازی، ۱۳۹۰: ۸۵).

تکمیل شدن تزییناتی چون گوزن و غزال در سکه‌ها که متأثر از سبک جانوری هنر سکایی بود، از فاصله گرفتن پادشاهان اشکانی از سبک‌های یونانی حکایت می‌کرد (Assar, 2006-b: 56).

### مطالعات تحقیق

#### ضراب‌خانه‌های اشکانی دوران عصر تاریکی

اغلب سکه‌های اشکانی دارای علایمی هستند که این نشانه‌ها متعلق به شهرهایی است که سکه‌های اشکانی در آن ضرب شده است. گاهی حکاکان هنرمند ضراب‌خانه‌های اشکانی به ابتکار هنری جالبی دست

می‌زدند؛ بدین ترتیب که به‌جای نوشتن نام کامل شهر یا مخفف آن از ترکیب و تلفیق حرف اول شهر با یک یا چند حرف دیگر از حروف آن علامتی می‌ساختند که از آن پس، عنوان و علامت ضراب‌خانهٔ آن شهر شناخته می‌شد. محل قرار گرفتن این علامت در پشت سکه‌ها و در زیر تصویر کمان ارشک بود. مهم‌ترین این ضراب‌خانه‌ها عبارت‌اند از: نسا، شهری در اشک‌آباد عشق‌آباد، تامبراکس ساری، آپامنه، محل آن خوار در حوالی ری، آریا هرات، مارگیان مرو، تراگزیان نزدیک مشهد، کاتازتراتیای دربار رکاب ضراب‌خانه سیتار زمان جنگ در طول راه، هگمتانه همدان، رگا ری، میتراوات کرت دژنسیا، سلوکیه شهری نزدیک شوش، لاؤدیسسه نهبوند، کنگوبارکنگاور، تیسفون، سوسا شوش، سیرنیکس شهری در نزدیکی ساری کنونی، خاراکس که امروزه شهری در خوزستان نزدیک خلیج فارس است و در گذشته به اشتباه فکر می‌کردند شهری است نزدیک دروازه خزر، حدود شهرستانک واقع در دره البرز شمال تهران، آرته میتا دستگرد، ابرشهر نیشابور. مهم‌ترین نشانه‌ها بر روی سکه‌ها عبارت‌اند از: لنگر علامت کشتی‌بانان بابلی فرات، لنگر رو به پایین، لنگر رو به بالا، سر پیکان، کمان، تیر و کمان، الههٔ آرتیمس، الههٔ آتنا (دختر زئوس الههٔ عقل و دانش و مشوق کشاورزی و حامی مردان شجاع در جنگ که اغلب کلاه‌خود بر شمشیر و نیزه و سپر در دست دارد)، تیرکش تیردان، مرد کمان‌دار، شاخهٔ گندم، شاخهٔ خرما، گاو، سر گاو، گاو کوهان‌دار، کادوسه (علامتی که بعدها سمبل طب شناخته شد)، ستاره، هلال ماه، شاخ (سمبل فراوانی شامل محصولات کشاورزی و میوه‌های گوناگون)، گرز، انار، کوزه، پرنده، عقاب، سر عقاب، اسب، سر اسب، اسب در حال حرکت، اسب بال‌دار، فیل، سر فیل، خرطوم فیل، گوزن، قوچ نشسته، سر

شیر، گریفون، صاعقه، رعد و برق، نیزه سه‌شاخه، سه‌پایه، خوشه انگور، قلعه، دژ نظامی، دروازه، الهه تیشه (الهه و سمبل شهر سلوکیه به شکل بانویی با تاج کنگره‌دار، او بال ندارد و شاخه خرما یا حلقه قدرت در دست دارد که در حال هدیه دادن به شاه است)، الهه نیکه (الهه پیروزی، در یک دست شاخه خرما و در دست دیگر نشانه سلطنت را دارد و با بال دیده می‌شود)، اروس (الهه عشق که دارای بال بوده، به صورت کودک عریان است و اغلب دستش بر روی سگویی شبیه آتشدان قرار دارد)، الهه آپولو (خدای خورشید، فرزند زئوس که الهه ثروت، موسیقی و هنر محسوب می‌شود و حافظ و نگهبان گله‌ها و رمه‌هاست)، هرکول، گلدان، حلقه پیروزی مزین به گل، تاج گل مزین به روبان، آرم اشکانی و نقش مرد سوارکار (ملک‌زاده بیانی، ۱۳۳۹: ۱-۵۰؛ سرفراز و آورزمانی، ۱۳۸۰: ۲۳-۵۸).

پارتیان با توجه به سبک منحصر به فرد زندگی‌شان علاقه‌ای به ماندن طولانی در یک شهر و بنای شهرهای جدید نداشتند و دائم در حال تغییر جا و مسافرت‌های جنگی بودند. آن‌ها بانی شهرهای زیادی نبودند و بیشتر از شهرهای آباد دوران هخامنشی و سلوکی استفاده کرده و توانسته بودند کنترل تمام شهرها و ضراب‌خانه‌های سلوکیان در ایران را به دست آورند. در دوره اشکانیان برای اولین بار در ایران شاهد حک کردن نام ضراب‌خانه بر روی مسکوکات هستیم که می‌تواند راهگشای مسائل اقتصادی، سیاسی و حتی شناسایی معادن آن‌ها باشد. اشکانیان عمدتاً علامت ضراب‌خانه شهری را که سکه در آن ضرب می‌شد، بر پشت سکه درج می‌کردند. این علامت در درهم‌ها معمولاً در زیر کمان ارشک دیده می‌شود (خادمی ندوشن، ۱۳۸۵: ۵۹). سکه‌های اشکانی دارای علائم و

نشانه‌هایی است (مونوگرام) که برخی از آن‌ها متعلق به شهرهایی هستند که سکه در آنجا ضرب شده است. نخستین سکه‌ای که به طور یقین دارای علامت ضراب‌خانه است، به دوران فرمانروایی مهرداد اول تعلق دارد.

مهم‌ترین شهری که تا اواخر دوران اشکانیان به ضرب سکه‌های درهم اقدام می‌کرد، شهر اکباتان هگمتانه (همدان) است (سرفراز و آورزمانی، ۱۳۸۵: ۴۴). همدان یا اکباتان، مقر تابستانی شاهان پارت و ضراب‌خانه سلطنتی بوده است.

از میانه دوره شاهنشاهی اشکانی و قرون پس از میلاد مسیح، ضراب‌خانه‌ها شمارشان محدود شد و نظم بیشتری گرفت؛ بدین معنا که سکه‌های چهار درهمی و سه درهمی سیمین در سلوکیه دجله و درهم‌های سیمین، بیشتر در اکباتان ضرب می‌شد (افتخاری، ۱۳۹۶: ۵).

از زمان فرهاد سوم، ضراب‌خانه‌ها روی سکه و در پشت سر ارشک یا در کنار کمان حک شده است. مهم‌ترین این ضراب‌خانه‌ها عبارت‌اند از: نیسا، تامبروکس، سیرینیک، آپامنه آ و آریا (هرات) (سرفراز و آورزمانی، ۱۳۸۵: ۴۴-۴۵).

هگمتانه یا اکباتان، مهم‌ترین و فعال‌ترین ضراب‌خانه اشکانیان بود. ضرب سکه‌های این ضراب‌خانه از اواخر دوران حکومت مهرداد اول آغاز شده، تا پایان امپراتوری اشکانی ادامه می‌یابد. اولین گروه از سکه‌های ضرب‌شده در این ضراب‌خانه، یک درهم‌ها، ابولی‌ها و چالکوهایی هستند که بعد از فتح هگمتانه در سال ۱۴۸ ق.م ضرب شده‌اند (غلامی، ۱۳۹۲: ۵۷). این سکه‌ها دارای علامتی با عنوان مونوگرام هستند. مونوگرام‌های سکه‌های اشکانی ترکیبی از چند حرف یونانی و نشانه‌هایی برای ضراب‌خانه، بازرسی

ضراب‌خانه، واحد پولی، سال ضرب و مفاهیم دیگر بودند که از ترکیب و ادغام چند حرف ساخته می‌شدند (افتخاری، ۱۳۹۶: ۲).

جنس سکه‌های اشکانی، نقره و مفرغ است. سکه نقره درهم نامیده می‌شد که واحد بزرگ‌تر آن چهار درهم و واحدهای کوچک‌تر ابولی بود. رایج‌ترین پول این دوره، درهم بود که در ضراب‌خانه‌های سراسر کشور ضرب می‌شد. اشکانیان سکه زرین نداشتند (De Morgan, 1933: 137؛ جعفری دهقی، ۱۳۹۱: ۲۴؛ گویل، ۱۳۹۱: ۱۰۹).

سکه‌های سیمین اشکانی شامل چهار درهمی، سه درهمی، نیم درهمی، دو ابولی و ابولی می‌شد. رایج‌ترین سکه آن‌ها درهم سیمین بود که حدود ۴ گرم وزن داشت. درهم از واژه درآخمای یونانی گرفته شده بود که پول رایج دنیای باستان شد. سکه‌های مفرغی نیز کالکوی نام داشتند که شامل یک کالکوی، دو کالکوی، چهار کالکوی بود. وزن کالکوها در آغاز حدود دو گرم بود که چون ارزش مادی بسیار کمتری نسبت به سکه‌های نقره داشتند، وزنشان خیلی دقیق نبود (افتخاری، ۱۳۹۶: ۱-۲).

وزن سکه‌های اشکانیان در سرزمین‌های مرکزی قلمرو آن‌ها بر مبنای وزن سکه‌های یونانی بود. یک درهمی در ضراب‌خانه‌های ماد، شوش و سکه‌های چهار درهمی در سلوکیه ضرب می‌شد (Sellwood, 1980: 93).

سلطه اسکندر (الکساندر) مقدونی و سپس سلوکی‌ها بر ایران، موجب رواج زبان و خط یونانی شد. در نتیجه، استفاده از زبان و خط یونانی که دستگاه اداری و تجاری بر پایه آن استوار بود، در میان ساکنان شهرها رواج یافت (ملک‌زاده بیانی، ۱۳۸۱: ۲-۴۴). همچنین تا میانه سده اول میلادی، از خط و زبان یونانی برای نوشتن روی سکه‌های اشکانی استفاده می‌شد (ولسکی،

۱۳۸۴: ۸۲). با توجه به ناخوانایی و اشتباهات آشکار در نوشته یونانی سکه‌ها می‌توان چنین برداشت کرد که در گذر زمان، یونانی‌نویسی تنها جنبه پیام‌رسانی داشت و القاب شاهی و نوشته‌ها که به صورت قالبی درآمد بود، فقط تکرار می‌شد؛ از این رو خوانش از یونانی مآبی با روی آوردن به نگارش به خط ایرانی و انتخاب لقب (شاهنشاه) انجام گرفت (شکوری فر و نصرالله‌زاده، ۱۳۹۵: ۴۰).

### بررسی و تحلیل‌های تحقیق

تیپ‌بندی سکه‌های گودرز اول، نهمین پادشاه پارت است که سکه‌های بعد از مهرداد دوم را به او نسبت می‌دهند. سلود، لقب فاتح یا نیکاتور در این سکه‌ها دیده می‌شود و عنوان شاه شاهان بر روی این سکه حذف شده است (Sellwod, 1980: 93).

۱. گروه اول روی سکه‌های گودرز اول براساس جنس به دو تیپ تقسیم می‌شوند که هریک نیز به سه دسته تقسیم می‌گردد.

۱. درهم‌ها: طبقه‌بندی نقش روی درهم‌هایی که شمایل شاه دارای کلاه یا تاج قپه‌ای به اسم باشلق مادی یا تیارا است که بر روی این تاج سمبل‌هایی به‌عنوان نشانه و نماد مخصوص شاه گودرز است؛ مانند گوزن‌هایی تزئینی که بدون شاخ یا شاخ‌دار در یک جهت (جهت عقربه‌های ساعت یا خلاف عقربه‌های ساعت) یا دو جهت روبه‌روی هم به دور این کلاه می‌چرخند که جهت این چرخش و شاخ گوزن‌ها هریک نشانه هستند.





تصویر ۶- سکه‌های درهم گودرز اول (مأخذ: نگارنده)

جدول ۱- طرح روی سکه تیپ I (مأخذ: نگارنده)

طرح روی سکه تیپ I	پشت سکه تیپ Ia.α1	روی سکه تیپ I
		
کلاه‌هایی که دارای گوزن بدون شاخ در دو جهت در حال حرکت هستند. منبع طرح: Sellwod, 1980 : (type i sellwod-godrz I.87)	پشت سکه ارشک نشسته بر چهارپایه، کمان در دستان صاف و کشیده به سمت راست. نوشته پشت سکه: ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ ΘΕΟΠΑΤΟΡΟΣ ΝΙΚΑΤΟΡΟΣ	روی سکه نیم‌تنه گودرز اول به سمت چپ با ریش ساعت سکه ۱۲-تیاراتیپ I

جدول ۲- طرح روی سکه تیپ II (مأخذ: نگارنده)

طرح روی سکه تیپ II	پشت سکه تیپ Ia.α2	روی سکه تیپ II
		
کلاه‌هایی که دارای گوزن شاخ‌دار در دو جهت در حال حرکت هستند. منبع طرح: Sellwod, 1980 (type ii sellwod-godrz I.P87)	ارشک نشسته بر چهارپایه، کمان در دست به سمت راست تیپ Ia.α2 ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ ΘΕΟΠΑΤΟΡΟΣ ΝΙΚΑΤΟΡΟΣ	گودرز اول به سمت چپ با ریش

جدول ۳- طرح روی سکه تیپ III (مأخذ: نگارنده)

طرح روی سکه تیپ III	پشت سکه تیپ Ia.α3	روی سکه تیپ III
		
کلاه‌هایی که دارای گوزن شاخ‌دار یا بی‌شاخ در یک جهت در حال حرکت هستند. منبع طرح: Sellwod, 1980 (Type iii sellwod-godrz.I P87)	ارشک نشسته بر چهارپایه، کمان در دست به سمت راست تیپ Ia.α3 ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ ΘΕΟΠΑΤΟΡΟΣ ΝΙΚΑΤΟΡΟΣ	نیم‌تنه گودرز اول به سمت چپ با ریش

عقربه‌های ساعت یا خلاف عقربه‌های ساعت یا دو جهت روبه‌روی هم به دور این کلاه می‌چرخند که جهت این چرخش و شاخ گوزن‌ها هریک نشانه هستند.

II. برنزه‌ها: طبقه‌بندی نقش روی برنزهایی که شمایل شاه دارای کلاه یا تاج قپه‌ای به اسم باشلق مادی یا تیارا است که بر روی این تاج سمبل‌هایی به‌عنوان نشانه و نماد مخصوص شاه گودرز است؛ مانند گوزن‌هایی تزئینی که بدون شاخ یا شاخ‌دار در جهت



تصویر ۷- سکه‌های برنز گودرز اول (مآخذ: نگارنده)

جدول ۴- طرح روی سکه تیپ IIa (Chris Hopkins, www.parthia.com)

روی سکه تیپ IIa	پشت سکه تیپ IIb.b1	طرح روی سکه تیپ IIa
		
نیم‌تنه گودرز اول به سمت چپ با ریش	اسب بال‌دار به سمت راست در حال پرواز، ضرب اکباتان ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ ΘΕΟΠΑΤΟΡΟΣ ΝΙΚΑΤΟΡΟΣ	کلاه‌هایی که دارای گوزن بدون شاخ در دو جهت در حال حرکت هستند. منبع طرح: Sellwood, 1980 (Type ii sellwood-godrz I.P88)

جدول ۵- طرح روی سکه تیپ IIb (Chris Hopkins, www.parthia.com)

روی سکه IIb	پشت سکه IIb.α1	طرح روی سکه تیپ IIb
		
نیم‌تنه گودرز اول به سمت چپ با ریش	ایزد نیکه در حال قدم زدن حلقه قدرت در دست، ضرب اکباتان ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ ΘΕΟΠΑΤΟΡΟΣ ΝΙΚΑΤΟΡΟΣ	کلاه‌هایی که دارای گوزن شاخ‌دار در دو جهت در حال حرکت هستند منبع طرح: (Sellwood, 1980) (Type ii sellwood-godrz I.P88)

جدول ۶- طرح روی سکه تیپ IIIc (Chris Hopkins, www.parthia.com)

روی سکه	پشت سکه IIb.b1	طرح روی سکه تیپ IIIc
		
نیم‌تنه مهرداد دوم به سمت چپ با ریش	اسب بال‌دار به سمت راست در حال پرواز ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ ΘΕΟΠΑΤΟΡΟΣ ΝΙΚΑΤΟΡΟΣ	کلاه‌هایی که دارای گوزن شاخ‌دار یا گوزن بی‌شاخ در یک جهت در حال حرکت هستند یا کلاه‌هایی که نقش گوزن ندارند (معمولاً دیده نشده است). این تیپ در سکه‌های مهرداد دوم مشاهده شده است. منبع طرح (Sellwood, 1980): (Type i sellwood-godrz I.P82).



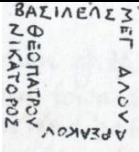
می‌شود. طبقه‌بندی نقش پشت درهم‌هایی که شمایل نقش ارشک دارند، براساس نگه داشتن کمان در دست طبقه‌بندی می‌گردد که با نشانه حروف یونانی کلمات ΜΕΓΑΛΟΥ که قبل یا بعد از کمان قرار می‌گیرد، تقسیم می‌شود.

گروه پشت سکه‌های **گودرز اول** براساس جنس به دو تیپ تقسیم می‌شود که هر یک نیز به سه دسته تقسیم می‌گردد.  
**۱. درهم‌ها:** طبقه‌بندی تصویر پشت سکه‌های گودرز اول براساس نقش اشک اول یا کمان‌دار تقسیم



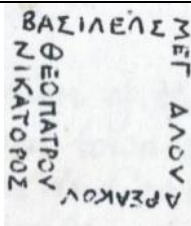


تصویر ۸- پشت سکه‌های درهم گودرز اول (Chris Hopkins, www.parthia.com)

جدول ۷- طرح پشت سکه تیپ Iaα. ۱ (Chris Hopkins, www.parthia.com)

روی سکه تیپ Ia	پشت سکه تیپ Iaα.۱	طرح پشت سکه تیپ Iaα.۱
		
نیم‌تنه گودرز اول به سمت چپ با ریش	ارشک نشسته بر چهارپایه، کمان در دست سمت راست	کمان‌دار با کلمه ΜΕΓ که قبل از کمان قرار می‌گیرد و کمان‌دار با دستان صاف، کمان را در دست گرفته است. روی سکه کلاه گودرز با تیرای گوزن بدون شاخ تیپ یک در دو جهت است. منبع طرح Sellwood, D. 1980) (Type i sellwood-godrz I.P87)



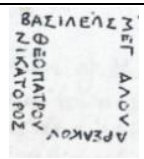
جدول ۸- طرح پشت سکه تیپ la.α2 (Chris Hopkins, www.parthia.com)

روی سکه I	پشت سکه تیپ la.α2	طرح پشت سکه تیپ la.α2
		
نیم‌تنه گودرز اول به سمت چپ با ریش	ارشک نشسته بر چهارپایه، کمان در دست به سمت راست	کمان‌دار با کلمه ΜΕΓ که قبل از کمان قرار می‌گیرد و کمان‌دار با دستان خمیده یا کج، کمان را در دست گرفته است. روی سکه کلاه گودرز با تیرای گوزن بدون شاخ تیپ یک در دو جهت است. منبع طرح Sellwood, D. 1980) (Type i sellwood-godrz I.P87)

جدول ۹- طرح پشت سکه تیپ la.α3 (Chris Hopkins, www.parthia.com)

روی سکه تیپ II	پشت سکه تیپ la.α3	طرح پشت سکه تیپ la.α3
		
نیم‌تنه گودرز اول به سمت چپ با ریش	ارشک نشسته بر چهارپایه، کمان در دست به سمت راست	کمان‌دار با کلمه ΜΕΓ که قبل از کمان قرار می‌گیرد و کمان‌دار با دستان صاف، کمان را در دست گرفته است. روی سکه کلاه گودرز با تیرای گوزن شاخ‌دار تیپ دو در دو جهت است. منبع طرح Sellwood, D. 1980) . (Type i sellwood-godrz I.P87)

جدول ۱۰- طرح پشت سکه تیپ la.α4 (Chris Hopkins, www.parthia.com)

روی سکه تیپ II	پشت سکه تیپ la.α4	طرح پشت سکه تیپ la.α4
		
نیم‌تنه گودرز اول به سمت چپ با ریش	ارشک نشسته بر چهارپایه، کمان در دست به سمت راست	کمان‌دار با کلمه ΜΕΓ که قبل از کمان قرار می‌گیرد و کمان‌دار با دستان خمیده یا کج، کمان را در دست گرفته است. روی سکه کلاه گودرز با تیرای گوزن شاخ‌دار تیپ دو در دو جهت است. منبع طرح Sellwood, D. 1980) (Type i sellwood-godrz I.P87)

جدول ۱۱- طرح پشت سکه تیپ lb.α1 (Chris Hopkins, www.parthia.com)

روی سکه تیپ I	پشت سکه تیپ lb.α1	طرح پشت سکه تیپ lb.α1
		
نیم‌تنه گودرز اول به سمت چپ با ریش	ارشک نشسته بر چهارپایه، کمان در دست به سمت راست	کمان‌دار با کلمه ME که قبل از کمان قرار می‌گیرد و کمان‌دار با دستان صاف، کمان را در دست گرفته است. روی سکه کلاه گودرز با تیرای گوزن بدون شاخ تیپ یک در دو جهت است. منبع طرح. Sellwood, D. 1980 (Type i sellwood-godrz I.P87)

جدول ۱۲- طرح سکه تیپ lb.α2 (Chris Hopkins, www.parthia.com)



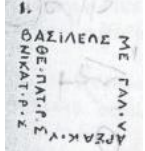
روی سکه تیپ I	پشت سکه تیپ lb.α2	طرح سکه تیپ lb.α2
		
نیم‌تنه گودرز اول به سمت چپ با ریش	ارشک نشسته بر چهارپایه، کمان در دست به سمت راست	کمان‌دار با کلمه ME که قبل از کمان قرار می‌گیرد و کمان‌دار با دستان خمیده یا کج، کمان را در دست گرفته است. روی سکه کلاه گودرز با تیرای گوزن بدون شاخ تیپ یک در دو جهت است. منبع طرح. Sellwood, D. 1980 (Type i sellwood-godrz I.P87)

جدول ۱۳- طرح پشت سکه lb.α3 (Chris Hopkins, www.parthia.com)


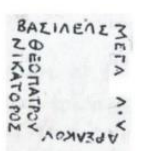
روی سکه II	پشت سکه lb.α3	طرح پشت سکه lb.α3
		
نیم‌تنه گودرز اول به سمت چپ با ریش	ارشک نشسته بر چهارپایه، کمان در دست به سمت راست	کمان‌دار با کلمه ME که قبل از کمان قرار می‌گیرد و کمان‌دار با دستان صاف، کمان را در دست گرفته است. روی سکه کلاه گودرز با تیرای گوزن شاخ‌دار تیپ دو در دو جهت است. منبع طرح. Sellwood, D. 1980 (Type i sellwood-godrz I.P87)



جدول ۱۴- طرح پشت سکه تیپ Ib.α4 (Chris Hopkins, www.parthia.com)

روی سکه تیپ II	پشت سکه تیپ Ib.α4	طرح پشت سکه تیپ Ib.α4
		
نیم‌تنه گودرز اول به سمت چپ با ریش	ارشک نشسته بر چهارپایه، کمان در دست به سمت راست	کمان‌دار با کلمه ME که قبل از کمان قرار می‌گیرد و کمان‌دار با دستان خمیده یا کج، کمان را در دست گرفته است. روی سکه کلاه گودرز با تیارای گوزن شاخ‌دار تیپ دو در دو جهت است. منبع طرح Sellwood, D. 1980) (Type i sellwood-godrz I.P87)

جدول ۱۵- طرح سکه تیپ IC (Chris Hopkins, www.parthia.com)

روی سکه تیپ III	پشت سکه تیپ IC	طرح سکه تیپ IC
		
نیم‌تنه گودرز اول به سمت چپ با ریش	ارشک نشسته بر چهارپایه، کمان در دست به سمت راست	کمان‌دار با کلمه ΜΕΓΑ که قبل از کمان قرار می‌گیرد و کمان‌دار با دستان مایل رو به پایین، کمان را در دست گرفته است. روی سکه کلاه گودرز با تیارای گوزن بدون شاخ تیپ سه در یک جهت است. تنها یک مورد مشاهده شده که در کتاب سلود اشاره به آن نشده است. در طبقه‌بندی کتاب سلود نیامده است، ولی در مجموعه سکه‌های سلود وجود دارد. منبع طرح Sellwood, D. 1980) (Type i sellwood-godrz I.P87)

## II برنزه‌ها: طبقه‌بندی تصویر پشت سکه‌های گودرز اول

براساس نقوش انسانی، حیوانی، گیاهی، تزیینی یا اشیا

تقسیم می‌شود.



تصویر ۹- تصویر پشت سکه‌های گودرز اول (Chris Hopkins, www.parthia.com)

جدول ۱۶- طرح پشت سکه تیپ IIa.α1 (Chris Hopkins, www.parthia.com)

روی سکه تیپ II	پشت سکه تیپ IIa.α1	طرح پشت سکه تیپ IIa.α1
		
نیم‌تنه گودرز اول به سمت چپ با ریش ساعت سکه ۱۲ تیارا تیپ II	ایزد نیکه در حال قدم زدن، حلقه قدرت در دست ΒΑΣΙΛΕΥΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ ΘΕΟΠΑΤΟΥΡΟΣ ΝΙΚΑΤΟΡΟΣ	نقوش انسانی شامل ایزد نیکه حلقه در دست دارد. روی سکه کلاه گودرز در ظاهر با تیارای گوزن شاخ‌دار تیپ دو در دو جهت است. منبع طرح Sellwood, D. (1980). (Type ii sellwood-godrz I.P88)

جدول ۱۷- طرح پشت سکه تیپ IIa.α2 (Chris Hopkins, www.parthia.com)

روی سکه تیپ II	پشت سکه تیپ IIa.α2	طرح پشت سکه تیپ IIa.α2
		
نیم‌تنه گودرز اول به سمت چپ با ریش	ایزد نیکه در حال قدم زدن، حلقه قدرت در دست ΒΑΣΙΛΕΥΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ ΘΕΟΠΑΤΟΥΡΟΣ ΝΙΚΑΤΟΡΟΣ	نقوش انسانی شامل ایزد نیکه حلقه در دست دارد. روی سکه کلاه گودرز با تیارای گوزن شاخ‌دار تیپ دو در دو جهت است. منبع طرح Sellwood, D. (1980). (Type ii sellwood-godrz I.P88)

جدول ۱۸- طرح پشت سکه تیپ IIa.α3 (Chris Hopkins, www.parthia.com)

روی سکه تیپ II	پشت سکه تیپ IIa.α3	طرح پشت سکه تیپ IIa.α3
		
نیم‌تنه گودرز اول به سمت چپ با ریش	ایزد نیکه در حال قدم زدن، حلقه قدرت در دست ΒΑΣΙΛΕΥΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ ΘΕΟΠΑΤΟΥΡΟΣ ΝΙΚΑΤΟΡΟΣ	نقوش انسانی شامل ایزد نیکه حلقه روبان‌دار در دست دارد. روی سکه کلاه گودرز با تیارای گوزن شاخ‌دار تیپ دو در دو جهت است. منبع طرح Sellwood, D. (1980). (Type ii sellwood-godrz I.P88)

جدول ۱۹- طرح پشت سکه تیپ IIa.α4 (Chris Hopkins, www.parthia.com)

روی سکه تیپ II	پشت سکه تیپ IIa.α4	طرح پشت سکه تیپ IIa.α4
		
نیم‌تنه گودرز اول به سمت چپ با ریش	ایزد تیشه در حال قدم زدن، گیاه در دست ΒΑΣΙΛΕΥΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ ΘΕΟΠΑΤΟΡΟΣ ΝΙΚΑΤΟΡΟΣ	نقوش انسانی شامل ایزد تیشه گیاه در دست دارد. روی سکه کلاه گودرز با تیارای گوزن شاخ‌دار تیپ دو در دو جهت است. منبع طرح Sellwood, D. (1980). (Type ii sellwood-godrz I.P88)

۲- تیپ IIb. حیوانی شامل نقوش حیوانی نیز خود بر چند دسته تقسیم می‌شود.

جدول ۲۰- طرح پشت سکه تیپ IIb.α1 (Chris Hopkins, www.parthia.com)

روی سکه تیپ II	پشت سکه تیپ IIb.α1	طرح پشت سکه تیپ IIb.α1
		
نیم‌تنه گودرز اول به سمت چپ با ریش	ارشک نشسته بر چهارپایه، کمان در دست به سمت راست ΒΑΣΙΛΕΥΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ ΘΕΟΠΑΤΟΡΟΣ ΝΙΚΑΤΟΡΟΣ	نقوش حیوانی شامل پگاسوس (اسب بال‌دار) روی سکه کلاه گودرز با تیارای گوزن شاخ‌دار تیپ دو در دو جهت است. منبع طرح Sellwood, D. (1980). (Type ii sellwood-godrz I.P88)

۳- تیپ IIc. گیاهی، تزیینی یا اشیا هستند.

جدول ۲۱- طرح پشت سکه تیپ IIc.α1 (Chris Hopkins, www.parthia.com)

روی سکه تیپ II	پشت سکه تیپ IIc.α1	طرح پشت سکه تیپ IIc.α1
		
نیم‌تنه گودرز اول به سمت چپ با ریش	نقش چماق ΒΑΣΙΛΕΥΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ ΘΕΟΠΑΤΟΡΟΣ ΝΙΚΑΤΟΡΟΣ	نقوش اشیایی مانند لنگر، سلاح، کمان، چماق (باتوم) روی سکه کلاه گودرز با تیارای گوزن شاخ‌دار تیپ دو در دو جهت است. منبع طرح Sellwood, D. (1980). (Type ii sellwood-godrz I.P88)



جدول ۲۲- طرح پشت سکه تیپ Ilc.a2 (Chris Hopkins, www.parthia.com)

روی سکه تیپ II	پشت سکه تیپ Ilc.a2	طرح پشت سکه تیپ Ilc.a2
		
نیم‌تنه گودرز اول به سمت چپ با ریش	نقش نخل یا گیاهی ΒΑΣΙΛΕΥΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ ΘΕΟΠΑΤΟΥΡΟΣ ΝΙΚΑΤΟΡΟΣ	نقوش گیاهی ، نخل، روی سکه کلاه گودرز با تیارای گوزن شاخ‌دار تیپ دو در دو جهت است. منبع طرح Sellwood, D. (1980). (Type ii sellwood-godrz I.P88)

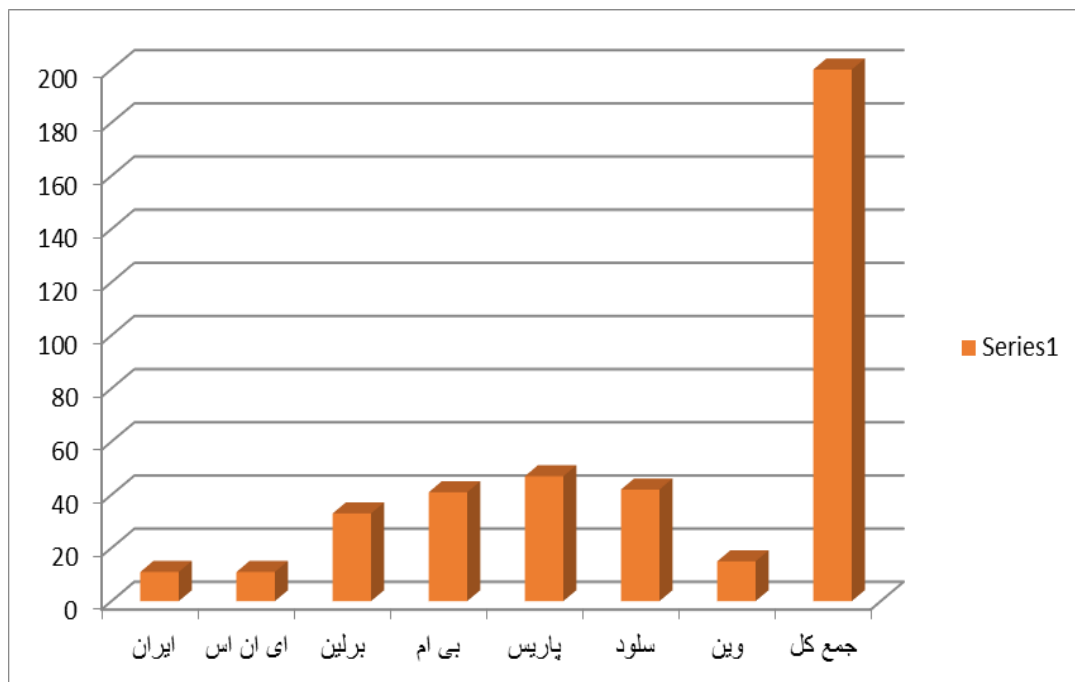
### جمع‌بندی و طبقه‌بندی جداول براساس یافته‌ها

شایان ذکر است مجموعه ۴۷۱ عدد سکه مورد بررسی قرار گرفته است. در موزه ملی ایران تعداد ۲۴ عدد سکه اشکانی مربوط به دوران عصر تاریکی و در حدود بیش از هزار سکه منتسب به دوره‌های پادشاهان دیگر اشکانی موجود است. تمام این سکه‌ها مورد بررسی و مطالعه قرار گرفت، اما درباره سکه‌های اشکانی به دلیل مشاهده تعداد زیادی سکه در بین آن‌ها و نبود گنجایش در این مقاله، تنها به تعداد ۲۴ عدد از موزه ملی و بقیه از پنج موزه دیگر دنیا پرداخته شد که متعلق به دو پادشاه مختلف عصر تاریکی است. در

بررسی و مطالعه این سکه‌ها، نمونه‌هایی از این دو پادشاه صاحب سکه دوره اشکانی، از موزه‌های دنیا برای قیاس و تطبیق آمده است. همچنین در موزه ملی ۱۱ عدد سکه اشکانی مربوط به پادشاه گودرز و ۱۳ عدد سکه اشکانی مربوط به پادشاه فرهاد سوم وجود دارد که تمامی این سکه‌ها معرفی و بررسی شده است. سکه‌های اشکانی مربوط به این دو پادشاه از موزه‌های دیگر دنیا نیز هست که بررسی، توصیف و تحلیل نقوش آن‌ها براساس ترتیب و توالی حکومت دو پادشاه این دوران انجام شد.

جدول ۲۳- مجموع سکه‌های گودرز اول (مأخذ: نگارنده)

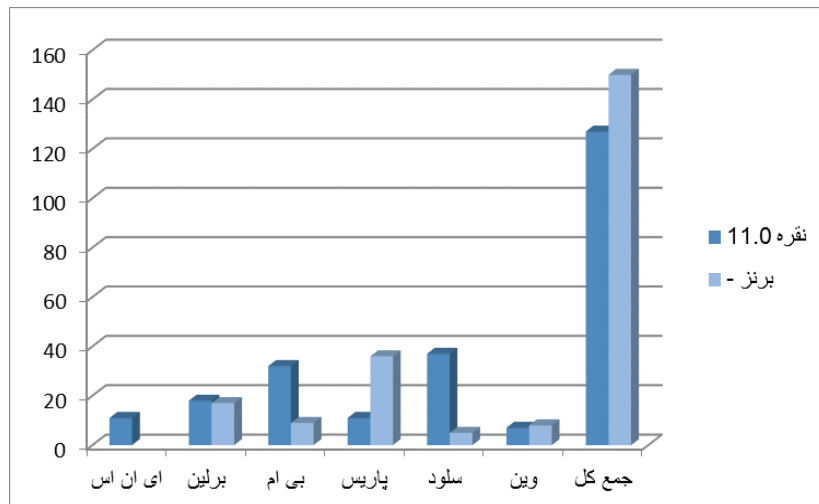
مجموعه	ایران	ای ان اس	برلین	بی ام	پاریس	سلود	وین	جمع کل
گودرز اول	۱۱	۱۱	۳۳	۴۱	۴۷	۴۲	۱۵	۲۰۰



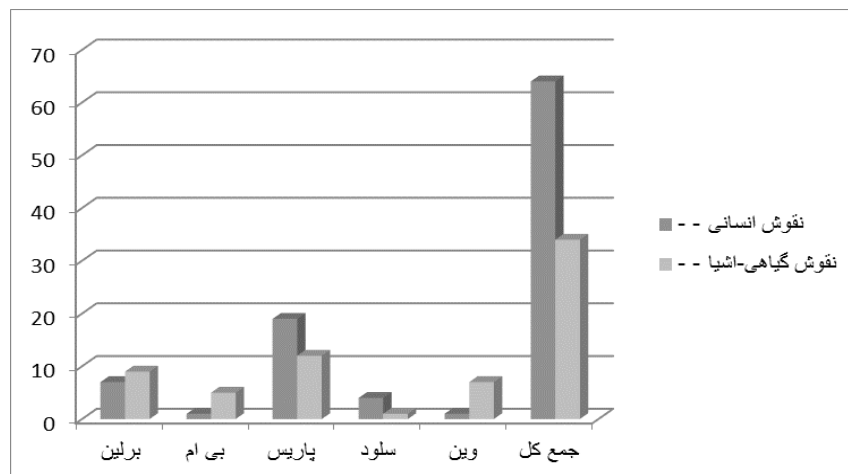
نمودار ۱- فراوانی سکه‌های گودرز اول موجود در مجموعه‌ها (مأخذ: نگارنده)

جدول ۲۴- مجموعه‌داران سکه‌های گودرز اول (مأخذ: نگارنده)

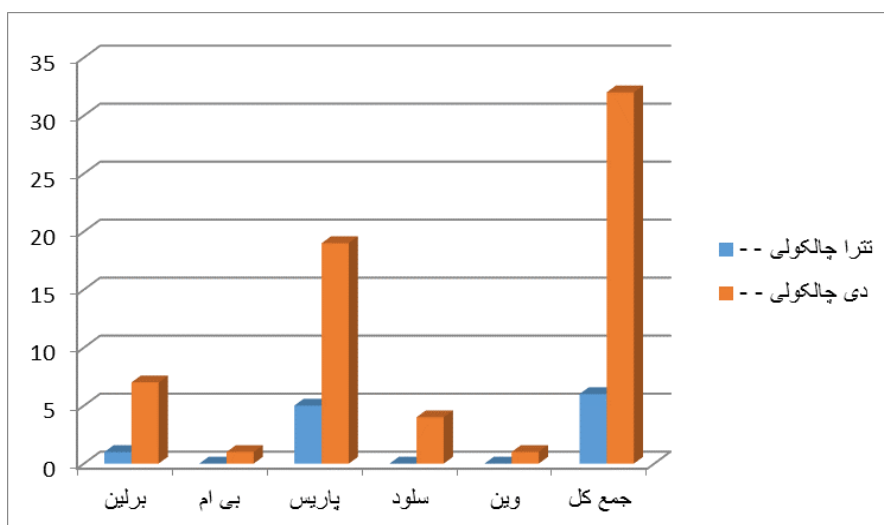
چالکولی	دی چالکولی	تترا چالکولی	نقوش گیاهی، اشیا	نقوش حیوانی	نقوش انسانی	برنز	نقره	پادشاه	تعداد	مجموعه نام
-	-	-	-	-	-	-	۱۱	گودرز اول	۱۱	ایران
-	-	-	-	-	-	-	۱۱	گودرز اول	۱۱	ای ان اس
۱	۷	۹	۱	۹	۷	۱۷	۱۸	گودرز اول	۳۳	برلین
-	۱	۵	-	۵	۱	۹	۳۲	گودرز اول	۴۱	بی ام
۵	۱۹	۱۲	۵	۱۲	۱۹	۳۶	۱۱	گودرز اول	۴۷	پاریس
-	۴	۱	-	۱	۴	۵	۳۷	گودرز اول	۴۲	سلود
-	۱	۷	-	۷	۱	۸	۷	گودرز اول	۱۵	وین
۶	۳۲	۳۴	۶	۳۴	۶۴	۱۵۰	۱۲۷	گودرز اول	۲۰۰	جمع کل



نمودار ۲- فراوانی سکه‌های نقره و برنز موجود در مجموعه‌ها (مأخذ: نگارنده)



نمودار ۳- فراوانی نقوش گیاهی، اشیا و انسانی موجود در مجموعه‌ها (مأخذ: نگارنده)



نمودار ۴- فراوانی تترا چالکولی و دی چالکولی در مجموعه‌ها (مأخذ: نگارنده)

جدول ۲۵- سکه‌های گودرز اول (مأخذ: نگارنده)

ردیف	مجموعه	تیپ روی سکه	تیپ پشت سکه	خطوط	جنس سکه	نام پادشاه
۱	Iran	I	la.α1	ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΒΑΣΙΛΕΩΝ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ ΕΠΙΦΑΝΟΥΣ	نقره	گودرز اول
۲	iran	II	1a.α2	ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ ΘΕΟΠΑΤΟΡΟΣ ΝΙΚΑΤΟΡΟΣ	نقره	گودرز اول
۳	iran	III	1a.α3	ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ ΘΕΟΠΑΤΟΡΟΣ ΝΙΚΑΤΟΡΟΣ	نقره	گودرز اول
۴	berline	II.a	IIb.α1	ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ ΘΕΟΠΑΤΟΡΟΣ ΝΙΚΑΤΟΡΟΣ	برنز	گودرز اول
۵	sellwood	IIb	1αIIa.	ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ ΘΕΟΠΑΤΟΡΟΣ ΝΙΚΑΤΟΡΟΣ	برنز	گودرز اول
۶	wien	III.c	IIb.α1	ΒΑΣΙΛΕΩΣ, ΒΑΣΙΛΕΩΝ, ΜΕΓΑΛΟΥ, ΑΡΣΑΚΟΥ, ΕΠΙΦΑΝΟΥ	برنز	گودرز اول
۷	berlin	I	1a.α1	ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ ΘΕΟΠΑΤΟΡΟΣ ΝΙΚΑΤΟΡΟΣ	نقره	گودرز اول
۸	berlin	I	1a.α2	ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ ΘΕΟΠΑΤΟΡΟΣ ΝΙΚΑΤΟΡΟΣ	نقره	گودرز اول
۹	iran	II	1b.α3	ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ ΘΕΟΠΑΤΟΡΟΣ ΝΙΚΑΤΟΡΟΣ	نقره	گودرز اول
۱۰	iran	II	1b.α4	ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ ΘΕΟΠΑΤΟΡΟΣ ΝΙΚΑΤΟΡΟΣ	نقره	گودرز اول
۱۱	berlin	I	1b.α1	ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ ΘΕΟΠΑΤΟΡΟΣ ΝΙΚΑΤΟΡΟΣ	نقره	گودرز اول
۱۲	berlin	I	1b.α2	ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ ΘΕΟΠΑΤΟΡΟΣ ΝΙΚΑΤΟΡΟΣ	نقره	گودرز اول
۱۳	sellwood	II	1b.α3	ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ ΘΕΟΠΑΤΟΡΟΣ ΝΙΚΑΤΟΡΟΣ	نقره	گودرز اول
۱۴	BM	II	1b.α4	ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ ΘΕΟΠΑΤΟΡΟΣ ΝΙΚΑΤΟΡΟΣ	نقره	گودرز اول

گودرز اول	نقره	ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ ΘΕΟΠΑΤΟΡΟΣ ΝΙΚΑΤΟΡΟΣ	1c. 3	III	sellwood	۱۵
گودرز اول	برنز	ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ ΘΕΟΠΑΤΟΡΟΣ ΝΙΚΑΤΟΡΟΣ	-1αIIa.	II	berlin	۱۶
گودرز اول	برنز	ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ ΘΕΟΠΑΤΟΡΟΣ ΝΙΚΑΤΟΡΟΣ	-2αIIa.	II	BM	۱۷
گودرز اول	برنز	ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ ΘΕΟΠΑΤΟΡΟΣ ΝΙΚΑΤΟΡΟΣ	IIa.α3	II	berlin	۱۸
گودرز اول	برنز	ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ ΘΕΟΠΑΤΟΡΟΣ ΝΙΚΑΤΟΡΟΣ	IIa.α4	II	paris	۱۹
گودرز اول	برنز	ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ ΘΕΟΠΑΤΟΡΟΣ ΝΙΚΑΤΟΡΟΣ	IIb.α1	II	berlin	۲۰
گودرز اول	برنز	ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ ΘΕΟΠΑΤΟΡΟΣ ΝΙΚΑΤΟΡΟΣ	IIc.α1	II	berlin	۲۱
گودرز اول	برنز	ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ ΘΕΟΠΑΤΟΡΟΣ ΝΙΚΑΤΟΡΟΣ	IIc.α2	II	paris	۲۲

### نتیجه گیری

امپراتوری اشکانی، دوره جذّاب تاریخ پارس است که از نزدیک با یونان و روم ارتباط دارد. در ایران باستان (ایران)، اشکانیان، جانشین اسکندر کبیر، سلوکیان را شکست دادند، بیشتر خاورمیانه و جنوب غربی آسیا را فتح کردند و کنترل جاده ابریشم پارتیا را به یک ابرقدرت شرقی تبدیل کردند. این دوره، سردرگم‌ترین دوره تاریخ اشکانیان از سال‌های پایانی در زمان سلطنت مهرداد دوم ۸۸ ق.م تا پادشاهی ارد دوم ۵۷ ق.م است. در حالی که مهرداد دوم هنوز در قدرت بود، ما سکه‌هایی از گودرز اول حدود ۹۵-۹۰ ق.م، همچنین ارد اول حدود ۹۰-۸۰ ق.م داریم و در دوره‌ای بلافاصله پس از سلطنت مهرداد دوم، می‌بینیم که سکه‌های ارد اول حدود ۹۰-۸۰ ق.م، با شاهزاده

ناشناس اول ۸۰ ق.م و شاهزاده ناشناس دوم حدود ۸۰-۷۰ ق.م و سناتروک ۷۷-۷۰ ق.م و داریوش مادی از آترو پاتن ۷۰ ق.م هم‌پوشانی دارند. در این زمان بین سال‌های ۵۰ تا ۷۰ ق.م به نظر می‌رسد فرهاد سوم در سال‌های پیرامون ۷۰ ق.م و به دنبال آن، ارد دوم ۵۷ ق.م کنترل کامل را در دست گرفتند. بحث گسترده این دوره، بسیار گیج‌کننده است و نظرهای متفاوتی وجود دارد. با مقایسه سکه‌ها با یکدیگر و متون ادبی و لوح‌های میخی می‌توان این شناسایی را انجام داد. شواهد کتبی در این دوره بسیار گنگ و مبهم است و با اینکه نسبت دادن سکه‌ها به حاکمان مختلف بر حدس و گمان استوار است، هنوز هم قابل اطمینان‌ترین اسناد، سکه‌ها هستند. هم‌زمان با مهرداد دوم، گودرز و ارد اول با هم سکه ضرب کردند

و بعد از ارد اول، ارد دوم و دو پادشاه ناشناخته و سناتروک و داریوش را داریم. به دلیل از قلم افتادن ۳۵ سال تاریخ‌نگاری توسط یوستنیوس، میان پادشاهی مهرداد دوم و ارد دوم، موجب شده از اخبار پیوسته از دوران عصر تاریکی دور بمانیم. در نتیجه‌گیری، شباهت سکه‌های گودرز اول و فرهاد سوم را مشاهده می‌کنیم و تفاوت بین سکه‌ها، در خطوط و آیکنوگرافی آن‌هاست. شباهت سکه‌های این دو شاه با سکه‌های دیگر شاهان، در تاج آن‌هاست که باز هم تفاوت آن‌ها در جزئیات و نقش تاج‌هاست. در ظاهر شاید تاج‌ها شبیه یکدیگر باشند، ولی نقش کنگره‌ها

ستاره‌ها، نقطه‌ها، روبان‌ها و گوزن‌ها آن‌ها را از یکدیگر متمایز می‌کند و نشان می‌دهد هر یک از سکه‌ها به کدام شاه تعلق دارد. بعد از طبقه‌بندی و تیپ‌شناسی سکه‌ها می‌توانیم نتیجه‌گیری را در جداول زیر مشاهده کنیم که به ویژگی‌های انواع ضراب‌خانه‌ها، جنس، وزن، خطوط و نقوش سکه‌ها پی می‌بریم. این نوع تیپ‌بندی را در دیگر سکه‌های اشکانی هم می‌توان طبقه‌بندی کرد. می‌توان هر پادشاه را با توجه به نوع نقش و فرم و شکل تاج و کمان‌دار و خطوط دسته‌بندی و انواع تیپ آن را مشخص کرد.

## فهرست منابع

- افتخاری، یوسف (۱۳۹۶)، گونه‌شناسی سکه‌های اشکانی، بیرجند: قهستان.
- افتخاری، یوسف و محمود جمشیدی درمنی (۱۳۹۶)، فرهنگ نمادها بر سکه‌های اشکانی، تهران: دایره دانش.
- اولبریخت، مارک (۱۳۹۲)، فرهنگ مناطق استپی و روابط میان جمعیت کوچک و یک‌جانشین در امپراتوری اشکانی و اسناد و منابع آن، ترجمه هوشنگ صادقی و همکاران، تهران: فرزانه روز.
- برومند، صفورا (۱۳۹۳)، کمان‌دار، اومفالوس و اورنگ: بازشناسی دلالت ضمنی سه نماد بر سکه‌های اشکانی، مطالعات تاریخ فرهنگی، پژوهش‌نامه انجمن ایرانی، شماره ۲۰، صص ۱-۱۴.
- جعفری دهقی، محمود (۱۳۹۱)، نقش سکه‌شناسی در بازشناسی تاریخ و فرهنگ ایران، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۵۸، صص ۲۰-۲۵.
- خادمی ندوشن، فرهنگ (۱۳۸۵)، بررسی سیستم اقتصادی پارتیان با استفاده از روش تجزیه طیف‌سنجی یک مطالعه موردی، مجله پژوهش‌های تاریخی، شماره ۱، صص ۵۸-۶۸.
- دادور، ابوالقاسم و لیلا مکوندی (۱۳۹۱)، بررسی طرح تاج شاهان در سکه‌های ایران از دوره هخامنشی تا ساسانی، هنرهای زیبا- هنرهای تجسمی، شماره ۵۰، صص ۲۳-۳۲.
- سرفراز، علی‌اکبر و فریدون آورزمانی (۱۳۸۵)، سکه‌های ایران از آغاز تا زنده، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت).
- سفر، فؤاد و محمدعلی مصطفی (۱۳۷۶)، هترا شهر خورشید (گزارش کاوش‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناسی و بازسازی آثار معماری شهر حضر)، ترجمه نادر کریمیان سردشتی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- سلوود، دیوید (۱۳۸۷)، دولت‌های کوچک جنوب ایران، تاریخ ایران کمبریج از سلوکیه تا فروپاشی دولت ساسانیان، ترجمه حسن انوشه. جلد ۳، بخش ۱، تهران: امیرکبیر.
- غلامی، کیارش (۱۳۹۲)، سکه‌های اشکانی، تهران: پازینه.
- گوبل، روبرت (۱۳۸۷)، سکه‌های ساسانی، تاریخ ایران کمبریج: از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.
- ملک‌زاده بیانی، ملکه (۱۳۸۱)، تاریخ سکه از قدیمی‌ترین ازمنه تا دوره ساسانیان، ج ۲، تهران: دانشگاه تهران.
- ولسکی، یوزف (۱۳۸۴)، شاهنشاهی اشکانی، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: ققنوس.
- ویسهوفر، یوزف (۱۳۸۰)، ایران باستان از ۵۵۰ پیش از میلاد تا ۶۵۰ پس از میلاد، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: ققنوس.
- Assar, G. R. F. (2005), The Genealogy of the Parthian King Sinatruces, the journal of the Classical and Medieval Numismatic Society.
- Assar, G. R. F. (2006b), A Revised Parthian Chronology of the period 91- 55 BC, Partica, Vol 8.
- De Markoff, A. (1877). Les monnaies des rois Parthes, Paris: A la Librairie Numismatique de C. Van Peteghem .
- De Morgan, J. (1933), Numismatique de la Pers antique: dynastie Sassanide, Paris.
- Foy-Vaillant, J. (1725), Arsacidarum imperium, siveregum Parthorum historia, Ad fidem numismatum accommodata, Paris: C. Moette.

- Jaroslaw Bodzek(2011). Ta Satpaiika Nomismata.Mennictwo satrapow w okresie panowania Achemenidow (Ta Satrapika Nomismata: The Satrapov Mint During the Rule of Achaemenid,) Krakow: Ksiegarnia Akademicka.
- Khademi Nadooshan, F,T Aizipoor, B Ganbari(2006)" Parthian Forgeries: The Numismatic Evidence", Celator, pp: 34-36.
- Lindsay, J.(1852). History and coinage of the Parthians, John Crowe.
- Mitchiner, M.(1978).Oriental Coins and Their Values: The Ancient and Classical World, 600 B. C. - A. D. 650, London, Hawkins Publications.
- Olbrycht, M. J. (1997), "Parthian King's Tiara: Numismatic Evidence and some Aspects of Arsacid Political Ideology", Notat Numismatice,Vol. 2.
- Olbrycht, M. J. (2010b), "The Early Reign of Mithradates II the Great in Parthia" Anabasis Vol. 1.
- Olbrycht, M. J. (2011), "The Titulature of the First Arsacids and Its Religious Connotations",[Tytulatura pierwszych Arsakidów i jej polityczno- religijne konotacje] Published in L. Mrozewicz /K. Balbuza (eds). The World of Antiquity, its poblish Researchers and the Cult of the ruler, [Pod redakcja Leszka Mrozewicza i Katarzyny Balbuzy, Poznan].
- Olbrycht, M. J. (2014), " Parthians, Greek Culture, and Beyond", in: Within the Circle of Ancient Ideas and Virtues. Studies in Honour of Professor Maria Dzielska, Kraków, pp. 129-142.
- Sear, D.(1979) Greek Coins and Their Values: Asia Minor, Africa, and the Hellenistic empires, London, B. A. Seaby Ltd. vol. 2.
- Sellwood, D. (1976)," The drachms of the parthian 'Dark Age ", JRAS 108.
- Sellwood, D. (1980), "An Introduction to the Coinage of Parthia", London, Pardy& son.
- Shore, F. B. (1993).Parthian Coins & History - Ten Dragons against Rome, Quarryville, PA, Classical Numismatic Group.
- Von Gutschmid,A.(1888). Geschichte Irans und seiner Nachbarländer, Tübingen

Website: parthia,

<https://www.parthia.com/> Accessed at 15/05/2019